



دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۶ - پراپر ۷ سپتامبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۳

محکومیت مجدد رژیم خمینی به خاطر جنایتکارانه ترین شکل نقض حقوق بشر

خمینی، نشانه انزوی هر چه فزاینده تر این رژیم و ناشی از مهستگی گسترده مردم جهان با مردم ایران است. شره عناد گستاخانه (و گریزناپذیر) رژیم ولایت فقیه با افکار عمومی جهان و اراده بشریت آزادیخواه، رسوایی بازم بیشتر این حاکمیت قرون وسطایی است •

جمهوری اسلامی به عنوان رژیم با دستهای خون آلود، محکوم شناخته می شود. در اردیبهشت ماه نیز از سوی سازمان عفو بین الملل، گزارشی انتشار یافت که طی آن جمهوری اسلامی به خاطر نقض فاحش حقوق بشر و جنایات بی حد در زندانها محکوم گردید. اعلام انزجار مکرر مجامع رسمی جهانی نسبت به تبهکاریهای رژیم سفاک

کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ای جمهوری اسلامی را به نقض خشن و آشکار حقوق بشر محکوم کرد. در قطعنامه کمیسیون که با اکثریت آرا به تصویب رسید، به اعدام دهها هزار نفر به توسط رژیم خمینی اشاره شده است. این چندمین باری است که در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

نقدینگی بخش خصوصی در ۱۰ ساله ابرابرد

بحرانی حاد، تمامی کنش و واکنش اقتصادی کشور را به کام کشیده است. دیر زمانی است که دیگر سخن از بحران زدگی این ویا آن عرصه اقتصادی در بین نیست، امروز می بایست تنها از حاکمیت بحران بر تمامیت اقتصاد سخن راند. در بازشناسی و دریافت عمق و ابعاد بحران حاکم بر کشور، برخی از عوامل و مولفه ها نقش محوری و کلیدی ایفا می کنند و از آن بین - عوامل بازتابگر و نمایش دهنده دامنه و عمق بحران اقتصادی - رشد فزاینده نقدینگی بخش خصوصی است. نقدینگی بخش خصوصی را گرچه در چارچوب مسائل اقتصادی مورد بررسی قرار می دهند، اما آنگاه که این عامل - انباشت نقدینگی صاحبان مال و منال - ره به عرصه اجتماع می برد، خود یکی از عوامل موثر در ناپساامانیها و کج هندجاریهای اجتماعی بحساب می آید. از در حادثه، رژیم جمهوری اسلامی نیز که کتمان حقایق اقتصادی بسیاری بقیه در صفحه ۶

برآمد جنگ شهرها و نفتکش ها

برتری نیروی هوایی خود تکیه دارد. سردشت، با تویخانه مورد حمله قرار گرفت، اما به شهرهای دیگر در استانهای مرکزی، اصفهان، همدان، آذربایجان شرقی و خوزستان با بقیه در صفحه ۲

تحریکات عراق و جنگ طلبی رژیم خمینی یکدیگر را تکمیل کردند. هردو رژیم، حمله به مناطق مسکونی و نفتکش ها را از سر گرفتند و در زمینه جنایتکاریهای تازه، سریعاً به توافق رسیدند.

حمله به شهرها

با حمله عراق به تعدادی از تاسیسات صنعتی در استانهای آذربایجان شرقی و همدان، در روز یکشنبه ۸ شهریور، جنگ شهرها جلا گرفت. جمهوری اسلامی بلافاصله اعلام کرد که بصره را گلوله باران خواهد کرد. روز ۸ شهریور آغاز شد. جمهوری اسلامی علاوه بر بصره چند شهر دیگر عراق از جمله زبیره، العماره، قلعه بیکی، شیعیه و ام القصر را زیر آتش توپخانه قرار داد.



سردشت در هفته گذشته باز شاد. صحنه هایی این چنین بود

عراق در حمله به شهرها بر

هفته گذشته جنگ در زمینه حمله به مناطق مسکونی و حمله به نفتکش ها و دیگر هدفهای دریایی، اوج گرفت. در روز پنجشنبه هفته جاری (۱۰ سپتامبر) خاویز پرزد و کوشیار به تهران و پس از آن به بغداد سفر خواهد کرد و احتمال دارد به مناسبت این سفر، حملات متقابلی که از ابتدای هفته پیش آغاز شد، متوقف شود.

دور تازه حملات را عراق آغاز کرد. عراق سه هفته پیش اعلام کرد که از حمله به نفتکش ها اجتناب خواهد ورزید. سفیر عراق در آمریکا دو هفته پیش این حرف دولت متبوع خود را پس گرفت و در هفته گذشته رژیم عراق اعلام کرد از آنجایی که جمهوری اسلامی از آتش پس عملی یک ماه و نیمه در عرصه دریا برای صدور هر چه بیشتر نفت ایران به منظور تأمین بودجه مالی تداوم جنگ استفاده می کند، تا زمانی که جمهوری اسلامی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را نپذیرفته است، به جنگ در عرصه دریا ادامه خواهد داد.

درهای بازار کار به روی زنان بسته است

می توان در روزنامه های حکومتی نیز مشاهده نمود. در زمینه ممنوعیت هایی که در مورد استخدام زنان در واحدهای اداری و تولیدی وجود دارد، گزارشی در نشریه زن روز به تاریخ سی و یکم مردادماه درج شده است. کراهت اندیشه و نفرت انگیزی کار کرد فقهای حاکم در برخورد با زنان چنان است که حتی در گزارش این مجله دولتی نیز به آسانی می توان آن را دریافت. این گزارش هرگونه توضیحی است و خود رسوائی کار کرده و عقونت اندیشه فقها را می نمایاند. بخشی هایی از این گزارش را در صفحه ۷ می خوانید

پائین ترین طبقات چینی زمینی پرتاب می شوند. حق کار، حق برخورداری از حمایت های قانونی، حق طلاق، حق سرپرستی اطفال در صورت جدایی از شوهر، حق تنها عسر شوهر خود بودن، حق برابری با مردان، حق انتخاب پوشش، حق ... تمامی این حقوق در رژیم ملایان به شدیدترین شکل پایمال می شود. زن ایرانی در جمهوری اسلامی از هیچ حقی برخوردار نیست. در رژیم خمینی، دو "حق" برای زنان به رسمیت شناخته شده و کاملاً مراعات می شود: حق کار در خانه و حق اکتفا به درجنگ. وضعیت زنان در تمامی عرصه ها آنچنان اسفناک است که بازتاب ضعیفی از آن را حتی

در متون و احادیث اسلامی و در سرزمینهای ملایان، برای ترساندن مردم، جهنم چندین طبقه ای تصویر می شود که پائین ترین "افل السافلین"، طبقه آن، مدش ترین و مخوف ترین عذاب هاست. جمهوری اسلامی پائین ترین طبقه جهنم واقعی و "افل السافلین" عینی برای زنان رنج دیده میهنان است. آنان علاوه بر اینکه همچون پدر و برادر و پسر خود استثمار می شوند و ستم می بینند، بخاطر زن بودن در نظامی مبتنی بر استثمار، رنجی مضاعف را متحمل می شوند و به دلیل زن بودن در کشوری که شریعتمداران سرمایه پناه بر آن حکومت می کنند به

در این شماره

تحویل اسلحه سوئدی

به جمهوری اسلامی از طریق آفریقای جنوبی

در صفحه ۲

صمد در «بایاتی» های آذربایجان

در صفحه ۹

بیداد قرون وسطایی

در روستاهای استان خوزستان

در صفحه ۸

قتل پناهنده ۲۵ ساله ایرانی

در آلمان فدرال

در صفحه ۱۲

برآمد جنگ شهرها و نفت کش ها

بقیه از صفحه اول

جنگنده های هوایی حمله شد. در هر شهر تعداد کثیری کشته و مجروح برجا ماندند. سردشت تماما آزاد ارکشت. در واحدهای صنعتی عدهای از کارگران قربانی چناینگاری های خمینی و صدام حسین شدند. خمینی یکبار دیگر نشان داد با جنگ طلبی خود خواهان چه صحنه های فجیعی در گوشه و کنار کشور است.

جنگ نفت کش ها

جنگ نفت کش ها مجددا پس از یک وقفه ۴۵ روزه از روز شنبه ۷ شهریور با حملات عراق آغاز شد و با حملات متقابل ادامه یافت. از روز شنبه ۷ شهریور تا ظهر روز شنبه ۱۴ شهریور، عراق به ۱۴ کشتی تجاری در آبهای خلیج فارس حمله برد. جمهوری اسلامی نیز حمله به کشتی های تجاری را از سر گرفت. کشتی های مورد حمله دارای پرچم کره جنوبی، یونان، لیبیا، کویت، اسپانیا، فهرس، عربستان و ژاپن بودند. کشتی ژاپنی حامل نفت ایران بود. با حمله به یک نفت کش متعلق به عربستان دو نفر کشته شدند. این امر بر میزان تشنج در روابط تهران و ریاض افزود. حمله به کشتی کویتی "چهل علی" کویت را در استفاده از پرچم آمریکا و کمک برای اسکورت نفت کش های کویتی، مصدتر کرد. در سه نوبت از سوی جمهوری اسلامی به سواحل کویت موشک پرتاب شد. جمهوری اسلامی مستقیما مسئولیت پرتاب موشک به سوی سواحل کویت را بر عهده نگرفت و بر آنها "موشکهای سرگردان" نام نهاد.

ژاپن پس از مورد حمله قرار گرفتن یکی از نفت کش های خود به توسط جمهوری اسلامی، اعلام کرد که دیگر به خلیج فارس، نفت کش نخواهد فرستاد. این امر برای جمهوری اسلامی مشکلی جدی در زمینه صدور نفت به ژاپن ایجاد خواهد کرد. ژاپن یکی از مهمترین مشتریهای نفت ایران است.

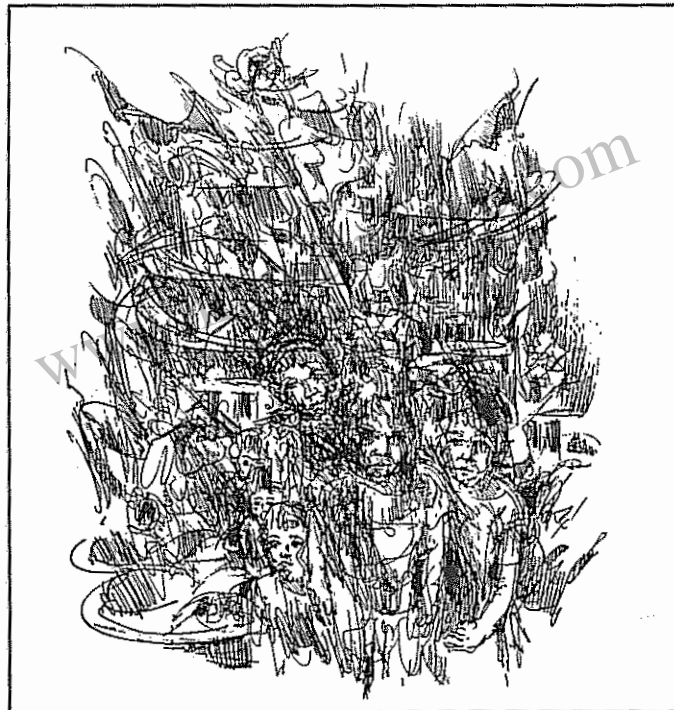
موضع آمریکا

در جریان بالا گرفتن جنگ نفت کش ها، به کشتی های کویتی دارای پرچم آمریکا چشم زخمی

جمهوری اسلامی نیز آنها را ادامه دهد و اوضاع متشنج تر شود. این گزارش بر این داعیه هفته گذشته ریچارد مورفی، بی گزیده مسائل منطقه در وزارت خارجه آمریکا، خط بطلان می کشد که ایالات متحده به عراق فشار آورده است که جنگ نفت کش ها را متوقف سازد.

در ماندگی و انزوا

برده خونبار تازه هفته گذشته در نمایش فاجعه بار جنگ باز هم پرده به نمایش درآمدن در ماندگی رژیم خمینی بود. عراق با چهره ای موجه،



اینتکار عمل را در دست داشت و جمهوری اسلامی غرش کنان دنباله رو حوادث بود. ایده آل جمهوری اسلامی آن است که جنگ نفت کش ها خاتمه یابد، رژیم به وفور نفت بفروشد، دلارهای حاصل از آن را در کوره جنگ بریزد، سلاح بخرد، کرور کرور نیرو به جبهه بفرستد، جهانیان چشمشان را ببندند و صرفا برای نتایج حملات گسترده، "تعیین کننده" و باصطلاح "نهایی" رژیم کف بزنند. واقعیت ها از این ایده آل چناینگارانه بسیار فاصله دارند و هر آن بیشتر فاصله می گیرند. فشار اقتصادی، فشار اجتماعی و فشار بین المللی از رژیم

صرفی در بر ندارد و این مداخله جویی به خطراتش نمی آرزد. منتقدین در مقاله ای در نیویورک تایمز نوشتند که "جهان به ریش آمریکا (در واقع دعای صلح چویانه آمریکا در منطقه) می خندد". اما حرف مقامات رسمی و تصمیم گیرنده، چیز دیگری بود. آنها به بالا گرفتن جنگ نفت کش ها به عنوان دلیلی برای تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه استناد جستند. این بهانه چویی می تواند دلیلی بر صحت این گزارش خبرگزاری یونایتد پریس باشد که عراق به درخواست آمریکا جنگ نفت کش ها را آغاز کرد تا

توانایی تحرک را سلب کرده اند، اما با این وجود خمینی تقلامی کند تا مدت زمان بیشتری بر طبل جنگ بکوبد.

یکی از عمده ترین مشخصه های فاز فعلی جنگ، افزایش فشار بین المللی است. فشار بین المللی رژیم را در عرصه جهانی منزوی ساخته است. در هفته گذشته، یک دیدلنات آلمانی که از سوریه دیدار کرده بود به خبرنگاران اظهار داشت که تهران در انزواست و سیاستمداران جمهوری اسلامی نسبت به انزوا بی که برایشان بسیار مشکن آفرین است، آگاهی دارند. (روزنامه "دی ولت" - اول سپتامبر)

جمهوری اسلامی به تدریج سوریه را نیز از دست می دهد. ملک حسین اخیرا پس از بازگشت از سوریه نسبت به فاصله گیری دمشق از تهران بسیار اظهار امیدواری کرده است. در هفته گذشته، پس از بالا گرفتن جنگ نفت کش ها، کویت و عربستان باز بیشتر به جانب عراق خزیدند و هلال محیطی خلیج فارس را تنگ تر کردند. اما آنچه که اکنون ذهن رهبران جمهوری اسلامی را به خود متوجه کرده نه اساسا جنگ نفت کش ها و مقابله چویی کویت و عربستان، بلکه پاسخی است که باید به دبیرکن سازمان ملل در تهران ارائه دهند. جهان در انتظار نتایج سفر خاویز پرزد و کوئیبار به تهران و بغداد است.

سفر پرزد و کوئیبار به تهران

در روزهای آخر هفته گذشته سفر خاویز پرزد و کوئیبار، دبیرکن سازمان ملل به تهران و بغداد قطعیت یافت. بر طبق خبری که در روز جمعه ۱۲ شهریور (۴ سپتامبر) در روزنامه های بین المللی انتشار یافت دو کوئیبار قرار است که روز ۱۹ شهریور (۱۰ سپتامبر) به تهران سفر کنند. شورای امنیت دو کوئیبار را موظف ساخته است که تنها در چارچوب قطعنامه ۲۰ ژوئن مبنی بر ضرورت برقراری آتش بس بین ایران و عراق، با رهبران جمهوری اسلامی به مذاکره بنشینند.

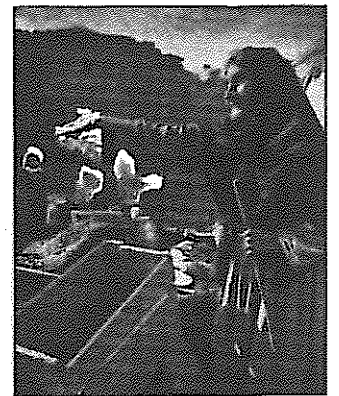
این سفر اهمیتی به مراتب فراتر از سفر دبیرکن سازمان ملل به تهران و بغداد در سال ۱۳۶۴ - که اساسا به قصد پایان دادن به جنگ شرها صورت گرفت - دارد. رژیم در مذاکره با دو کوئیبار در تهران مجبور است پاسخ روشنی به قطعنامه ۲۰ ژوئن شورای امنیت دهد. جمهوری اسلامی علیرغم لحن منفی و کینه توزانه خود نسبت به این قطعنامه، هنوز بدان بطور رسمی

تحويل اسلحه سوئدی به جمهوری اسلامی از طریق آفریقای جنوبی

پاسخ نداده است. برخورد در مجموع مرددانه رژیم به این قطعنامه، نه نشان دهنده رگه‌هایی جدی از انعطاف در سیاست و اعتقادات جمهوری اسلامی، بلکه نشان دهنده ابعاد فشار بین المللی است.

تاثیر بر آمد جنگ شهرها و نفت کش ها

آیا با برآمد تازه جنگ شهرها و نفت کش ها، روند تازه در زمینه جنگ تغییر مسیر داده و یا احتمالاً تغییر مسیر می‌دهد؟ به این سؤال با قطعیت می‌توان پاسخ منفی داد. مشخصه روند تازه ناتوانی و درماندگی و انزواوی بیشتر رژیم و افزایش فشار بین المللی است. افزایش تشنج نه تنها این مشخصه را زایل نمی‌کند، بلکه در جهاتی پررنگ‌تر می‌سازد. اما یک نکته واقع بینانه در سؤال فوق، می‌تواند این معنی باشد که آیا با افزایش حملات جنگی، از بهار محبت تاثیر گذاری‌های مشخصات عمده روند تازه کاسته نشده است و یا کاسته نمی‌شود؟ بی‌گمان برآمد جنگ همواره تاثیرات منفی خود را بر روی چشم انداز آینده به جا می‌نهد، اما برآمدهایی این چنینی تاکنون نه استثنائاً بلکه قاعده بوده‌اند و بریستر همین قاعده روند تازه شکن خرفته است. از سوی دیگر مشخصه‌های روند تازه وزن و بار خود را حفظ کرده‌اند و می‌توان جدا از تاثیر کننده و یا تسریع کننده حوادث اخیر در جنگ شهرها و نفت کش‌ها، تا زمانی که روند فعلی هویت خود را حفظ کرده است و فاکتورهای عمده دیگری به میدان نیامده است، بر آنها چشم دوخت و تاثیرات آنان را بر روی سیر وقایع دنبال کرد. رویدادهای چند هفته آینده و مهمتر از همه سفر پرزده و کوئینار به منطقه و اجلاس عمومی سازمان ملل متحد، حیطه این تاثیرات را روشن‌تر خواهد ساخت.



رژیم در مانده است اما باز چنین می‌کند و چنین می‌خواهد

اداره تحقیقات گمرک سوئد اعلام کرد شرکت اسلحه‌سازی پوفورس در معامله‌ای جهت تحويل ۶ هزار تن باروت به ایران شرکت کرده و با این اقدام، قوانین سوئد را نقض کرده است. هانس اولسون بازرس ویژه گمرک سوئد در استکهلم گفت معامله مزبور در فاصله ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ انجام شده و مهمات، بعضاً از طریق آفریقای جنوبی برای رژیم خمینی ارسال شده است. پوفورس که متعلق به صنایع بزرگ سوئد است، در سال ۱۹۸۵، ۹۰۰ تن باروت از شرکت هلندی "موثیدن کمی" خریداری کرد و این مقدار باروت را به جمهوری اسلامی

فروخت. بازرس گمرک سوئد افزود پوفورس با جعل اسناد چنین وانمود کرده است که یوگسلاوی کشور خریدار باروت بوده است. به گفته اولسون، شرکت "نوبل کمی" نیز که آن هم متعلق به صنایع سوئد است، از طریق آفریقای جنوبی چندین تن باروت به رژیم خمینی فروخته است. "اکثریت" در شماره‌های گذشته خود نیز گزارش‌هایی در مورد معاملات تسلیحاتی پوفورس با رژیم خمینی راج کرده بود. در سال گذشته، کارل آلگرنون بازرس گمرک سوئد در پی انجام تحقیقاتی در این باره، به نحو

اسرار آمیزی به قتل رسید. شرکت پوفورس همچنین با جعل ۵۰ سند صادرات، موشک‌های ضد هوایی "روپوت ۷۰" به ایران، عراق، بحرین، کویت و چند کشور دیگر خاور میانه صادر کرده است. ناظران معتقدند این صادرات گسترده با اطلاع مقامات دولتی سوئد صورت گرفته است.

به گزارش ماهیوعات سوئد، فایده‌های آلومینیومی مورد استفاده سپاه پاسداران در خلیج فارس نیز ساخت کارخانه‌ای در نزدیکی استکهلم است.

سمپوزیوم علیه جنگ ایران و عراق

بنا به دعوت انجمن دانشجویان عراقی در آلمان فدرال، از روز ۶ تا ۹ شهریور (۲۸ تا ۳۱ اوت) سمپوزیومی در شهر کلن برگزار گردید.

عنوان این سمپوزیوم که توسط پتر شوت شاعر و نویسنده آلمانی و سخنگوی کمیته علیه جنگ خلیج گنایش یافت، "برای پایان یافتن فوری جنگ ایران و عراق و همبستگی با خلق‌های دو کشور در مبارزه برای صلح و دمکراسی" بود.

مباحث مورد بحث در سمپوزیوم مزبور عبارت بودند از: - جنگ ایران و عراق (سابقه تاریخی، تاثیر اقتصادی و اجتماعی آن

بر دو کشور، اوضاع منطقه و صلح جهانی)

- موقعیت فرهنگی در ایران و عراق - وضعیت دانشجویان، جوانان و کارگران در دو کشور - زنان در ایران و عراق

حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست عراق، حزب سبزها، اتحادیه جهانی دانشجویان، فدراسیون بین المللی جوانان دمکرات، ... و جوانان پیشگام ایران برخی از نیروهایی بودند که با اعزام نماینده به این سمپوزیوم در برنامه‌های آن شرکت کردند.

شخصیت‌ها و سازمانهای مترقی

دوازدهمین جشنواره ارگان حزب کمونیست دانمارک

صلح را باید حفظ کرد

"صلح را باید حفظ کرد." این شعار مرکزی دوازدهمین جشنواره "لندفالک" ارگان حزب کمونیست دانمارک بود که در روزهای ۱۵ و ۱۶ اوت (۲۴ و ۲۵ مرداد) با شکوه چشمگیری برگزار شد.

در این جشنواره دهها هیئت نمایندگی از روزنامه‌های احزاب کمونیست و مترقی کشورهای گوناگون و همچنین نمایندگان نیروهای پیشرو و جمعیت‌های صلح‌دوست دانمارکی و خارجی شرکت داشتند.

بیش از ۱۵۰ هزار نفر از غرقه‌ها و برنامه‌های متنوع هنری ملل مختلف در این جشنواره بازدید کردند.

در دومین روز حزب کمونیست دانمارک با پراه انداختن کارناوال ضد جنگ در محل، شعار صلح و خلع

صلح عمومی را از زبان هزاران شرکت کننده، فریاد کرد.

فداییان خلق از جمله نیروهای ایرانی شرکت کننده در این جشن بودند که با برپایی غرفه تبلیغی به افشاکری علیه سیاستهای جنگ طلبانه رژیم آزادی‌کش خمینی و بازگویی حماسه رزم خلقهای ایران در راه صلح و آزادی پرداختند.

برگزاری جشنواره ارگان حزب کمونیست دانمارک که با گسترش بازتاب جهانی اخبار مبارزات زندانیان سیاسی ایران در مقابله با جنایتکاریهای جمهوری اسلامی همزمان بود، عرصه تبلیغ انقلابی در این زمینه را نیز بیش از پیش فراهم کرده بود. فعالیت نیروهای مترقی ایرانی بر محور تحکیم جنبش جهانی

همبستگی با اسیران شکنجه‌کامهای خمینی با استقبال شرکت کنندگان روبرو گردید.

در جنب محوطه همبستگی با احزاب و سازمانهای کمونیست و ترقیخواه مقیم دانمارک، چادر زنان دمکرات دانمارک برقرار بود که بخشی از برنامه‌های آن به بحث پیرامون اوضاع زنان در نقاط مختلف جهان اختصاص داشت. یک زن فدایی با حضور در این غرفه به سخنرانی پیرامون سلب وحشیانه حقوق زنان در ایران توسط ارتجاع حاکم و خواست زنان و کودکان میهن‌مان مبنی بر برقراری صلح، آزادی و رهایی اجتماعی مبادرت نمود. حاضرین با استقبال از سخنان وی، پشتیبانی خود را از زنان ایران اعلام کردند.

انتخابات مجلس فروردین سال آینده برگزار می شود

داشت که اقدامات وی پویزه در مورد استاندانان، جهت ایجاد "هماهنگی با خلدولت" در وزارت کشور صورت گرفته است. همین مهره چینیها مناقشات جناحها را چنان تشدید کرد که ناطق نوری از سوی محتشمی به باندبازی و دسته بندی علیه دولت موسوی متهم شد.

در این دوره نیز مثل دو دوره سابق ۲۷۰ تن به مجلس اسلامی راه خواهند یافت. ۲۰ تن از این عده از شهری، شمیرانات و تهران خواهند بود.

در مصاحبه محتشمی درباره چگونگی برگزاری انتخابات، گفته شد که این بار برخلاف دوره قبل نه شورای نگهبان بلکه وزارت کشور و هیات های اجرایی منتخب آن "این قدرت را دارند که انتخابات یک صندوق را متوقف یا ابطال کنند". در دوره گذشته شورای نگهبان انتخابات اصفهان و چند شهر دیگر را که کانون درگیری جناحها بود، باطل کرد.

روز چهارشنبه ۴ شهریور موسوی اعلام نمود که دو تن از وزیران جهت شرکت در مجلس از کابینه دولت وی کناره گیری خواهند کرد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، محتشمی وزیر کشور روز پنجشنبه ۵ شهریور اعلام نمود انتخابات دوره سوم مجلس اسلامی فروردین ماه ۱۳۶۷ در سراسر کشور برگزار می شود. پناهه گزارش همین خبرگزاری، نام نویسی از کاندیداهای دوره سوم مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه سال جاری انجام خواهد گرفت.

در این گزارش به علت تغییر زمان انتخابات از اسفندماه به فروردین ماه اشاره ای نشده است. در تیرماه سال جاری محتشمی طی مصاحبه با روزنامه کیهان اعلام کرده بود انتخابات دوره سوم در دهه سوم اسفند برگزار می شود. وی در این باره توضیح داده بود، وزارت کشور پس از بررسی در زمان متفاوت یعنی فروردین سال آینده و اسفند ماه سال جاری به این نتیجه رسید که برگزاری انتخابات در سال ۶۶ برای جمهوری اسلامی مشکلات کمتری دارد.

وزیر کشور برای تدارک برگزاری انتخابات ۹۹ تن از منصوبین ناطق نوری وزیر کشور را در این وزارتخانه جا بجا و یا برکنار کرد. محتشمی اعلام

آموزش نظامی دانشجویان اجباری شد

سالجاری در مورد دانش آموزان و دانشجویان است. پیش از این نیز "طرح دانشگاه در جبهه"، "طرح پاسدار - دانش آموز" و طرح سازمان رزمی دانش آموزان به تصویب رسیده بود. به موجب "طرح سازمان رزمی دانش آموزان" از سال تحصیلی آینده دانش آموزان با لباس نظامی در کلاس حضور خواهند یافت.

طرح های فوق، افزون بر برنامه ها و طرح های پاسداران و کمیته و بسیج برای کشاندن جوانان دانشجوی و دانش آموز به جبهه است.

انفجارهای بی دربار تهران

این انفجارها در میان اهالی تهران طرح شد، از طریق خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از "یک مقام آگاه" اعلام نمود که صدای انفجارها مربوط به برگزاری یک مانور بود و "مساله خاصی" رخ نداده است.

به تصویب شورای عالی پشتیبانی جنگ، چند واحد درسی جدید به نام "انقلاب و جنگ" بر تعداد واحدهای اجباری که دانشجویان دانشگاههای کشور باید بگذرانند، افزوده شد. این مطلب را رضایی فرمانده پاسداران اسلامی روز شنبه در جمع عده ای از "دانشجویان رزمنده" دانشگاه امیرکبیر اعلام کرد. "انقلاب و جنگ" نام تازه آموزش نظامی دانشجویان است که از این پس گذرانند آن اجباری شده است.

الزامی شدن واحد درسی "انقلاب و جنگ"، چهارمین مصوبه شورای عالی پشتیبانی جنگ طی

چهارشنبه شب و صبح روز پنجشنبه، چهارم و پنجم شهریور صدای انفجارهای متوالی و معیوب منطقه شرق تهران را به شدت لرزاند. صدای انفجارها از کیلومترها فاصله شنیده شد و مردم دچار اضطراب و هراس شدند.

رژیم جهت تکذیب اخباری که پیرامون علت

تولید بیش از سهمیه اعضای اوپک

به گزارش رویتر "ریلوانولفمان" رئیس اوپک روز سه شنبه سوم شهریور اعلام کرد کمیته های اوپک که مسئول نظارت و کنترل تولید و قیمت هادر بازارهای آزاد هستند روز ۱۶ شهریور (۷ سپتامبر) در وین تشکیل جلسه خواهند داد. رئیس نیچریه ای، سازمان اوپک همچنین اظهار داشت، در نیمه دوم سال ۸۷ میلادی اوپک حداکثر یک الی ۱/۲ میلیون بشکه در روز بیش از حداکثر سقف تولید رسمی سازمان (۱۶/۶ میلیون بشکه در روز) تولید خواهد کرد.

به گزارش همین خبرگزاری، نشریه بررسی اقتصادی خاور میانه، تولید اوپک در ماه اوت را قریب ۱۹/۷ میلیون بشکه در روز برآورد کرده است. بر اساس ارزیابی نشریه مذکور، بیشترین حجم تولید مازاد بر سهمیه کشورهای عضو اوپک به حوزه خلیج فارس پویزه به عراق مربوط می شود. طبق برآوردهای به عمل آمده، لیبی و نیچریه نیز از سهمیه رسمی خود فراتر تولید کرده اند. پناهه گزارشهای اوپک، مازاد تولید نیچریه و لیبی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه است.

تولید جاری امارت متحد عربی طبق نوشته مجله "بررسی اقتصادی خاور میانه"، روزانه به ۱/۶ میلیون بشکه بالغ می شود که این میزان نزدیک به هفت صد هزار بشکه مازاد بر سهمیه این کشور است.

آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی تاکید کرده است که در اجلاس آتی جمهوری اسلامی با سهمیه آزاد عراق مخالفت خواهد کرد.

مصاحبه مطلوب هائی موسوی

روز چهارشنبه ۴ شهریور، موسوی نخست وزیر طی مصاحبه رادیو و تلویزیونی، مواضع جمهوری اسلامی در زمینه ادامه روابط با غرب و عربستان سعودی، استعفای دو تن از وزیران و ترمیم کابینه، نقش سوریه در جنگ ایران و عراق، قطعنامه شورای امنیت و تغییر شروط جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ را تشریح کرد.

موسوی در مورد مناسبات رژیم با عربستان اظهار داشت، بعد از بلوای سکه، روابط دو کشور "لطمه جدی دیده است و دیگر نمی تواند مانند گذشته باشد". وی افزود، روابط سیاسی جمهوری اسلامی با عربستان، از این به بعد در پایین ترین سطح خود خواهد بود.

موسوی در ادامه سخنان خود در مورد روابط با "غرب" ضمن اشاره به این نکته که مأموریت نیروهای جمهوری اسلامی در برخورد با نیروهای آمریکا "سری" و غیر قابل طرح در گفتگوی مطلوب هائی است، اعلام نمود جمهوری اسلامی امکانات گسترش روابط با کشورهای "واقع بین" غربی را فراهم کرده است.

در این مصاحبه خبرنگاران، بی سی از آمریکا با اشاره به سخنان لاریجانی در نیویورک مبنی بر اینکه سقوط مدام جزو شرایط جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ نیست، نتیجه گرفت که در محافل سیاسی مطلب را به عنوان احتمال تغییر شروط جمهوری اسلامی و تعدیل مواضع آن ارزیابی کرده اند. موسوی پاسخ داد "چنین مطلبی را شنیده ام و آنچه که جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده تنبیه متجاوز است."

باز هم درباره گوشت

۲۹ مرداد ۱۳۶۶

چگونه است که مساله گوشت حل نمی شود؟ و امور سازمان گوشت نظام نمی یابد؟ چرا این سازمان با مصرف کنندگان هماهنگی ندارد؟ وقتی که بوسیله کوبن مصرف را محدود می کنند چرا از عهده تامین همین نیاز محدود نیز بر نمی آیند؟

چرا این سازمانها برنامهریزی مشخص ندارند؟ مردم مستاصل باستانی روزها قبل از طلوع آفتاب در هر مغازه فلهای صف بکشد تا ساعت هفت صبح گوشت فروش از راه برسد و اعلام کند که آبا گوشت

چگونه است که مساله گوشت حل نمی شود؟ و امور سازمان گوشت نظام نمی یابد؟ چرا این سازمان با مصرف کنندگان هماهنگی ندارد؟ وقتی که بوسیله کوبن مصرف را محدود می کنند چرا از عهده تامین همین نیاز محدود نیز بر نمی آیند؟

چرا این سازمانها برنامهریزی مشخص ندارند؟ مردم مستاصل باستانی روزها قبل از طلوع آفتاب در هر مغازه فلهای صف بکشد تا ساعت هفت صبح گوشت فروش از راه برسد و اعلام کند که آبا گوشت

خبرهایی از میان آنچه که در کارخانه‌های گذرد

راهپیمایی زنان زحمتکش در اسلامشهر چاده ساره

رژیم از تامین ابتدایی‌ترین نیازهای مردم درمانده است. اکنون در اکثر محلات زحمتکش نشین حاشیه تهران، زحمتکشان به آب آشامیدنی دسترسی ندارند. چندی پیش در اسلامشهر واقع در چاده ساره نبود آب آشامیدنی باعث گردید که زنان زحمتکش این شهرک با بستن چاده به روی وسایط نقلیه و با شعار "مرگ بر شهردار" ترافیکی بطول چندین کیلومتر بوجود آورند. بدنحال وعده و وعیدهای امام جماعت شهرک و مسئولین، چاده باز شد ولی زنان در ادامه اعتراض خود همراه با وسایط نقلیه تا محل شهرداری با شعار "مرگ بر شهردار" راهپیمایی کردند.

معیار ارزیابی شایستگی معلمان

در مردادماه سال جاری، به معلمان بسیاری از شهرها پرسشنامه‌هایی داده‌اند که به ازای هر سؤال مطرح شده در این پرسشنامه‌ها، امتیازی برای معلمان منظور خواهد شد که مجموعه این امتیازات، معیار نقل و انتقال و ترفیع آنان قرار خواهد گرفت. بخش اصلی و تعیین کننده این سؤالات، مربوط به موقعیت معلمان در خارج از مدرسه است و هیچ ربطی به شایستگی‌های شغلی وی ندارد. مدت زمان شرکت در جبهه‌های جنگ ویرانگر، و یا جزو خانواده کشته‌شدگان جنگ برون مسائلی از این قبیل بخش عمده سؤالات را تشکیل می‌دهد که امتیازات ویژه آنها معیار سایر امتیازات حرفه‌ای معلمان را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اخراج زنان شاغل از ارتش

رژیم در نظر دارد زنان شاغل در ارتش را بازنشسته، بازخرید و اخراج نماید. گفته می‌شود عده‌ای از آنان نیز به تشخیص مسئولین به وزارت بهداری و آموزش و پرورش منتقل خواهند شد. این طرح اکنون در دست اجرا است.

بود که به تصمیم مسئولان از شرکت در جام لودز لهستان بازماند.

استعفای سرمربی تیم ملی کشتی آزاد چند روز پیش از آغاز مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در شهر کلرمون فرانسه برگزار شد، صورت گرفت. مسابقات کلرمون فرانسه روز ۲۸ مرداد آغاز شد. در این مسابقه‌ها ۲۱۵ کشتی‌گیر از ۴۹ کشور جهان شرکت کردند. ورزشکاران ایران به تصمیم "کمیته برون مرزی" و مسئولان جمهوری اسلامی از حضور در این مسابقات محروم شدند.

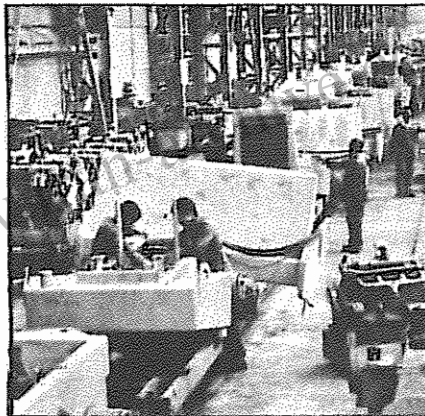
مطبوعات جمهوری اسلامی در مورد عدم شرکت ورزشکاران ایران در این مسابقات، مدعی شدند که فرانسه به آنها ویزا نداده است. در حالیکه رئیس فدراسیون کشتی فرانسه ضمن رد ادعای مطبوعات و مسئولان جمهوری اسلامی اعلام کرد که تا زمان آغاز برگزاری مسابقه‌ها هیچ‌گونه درخواستی از طرف ایران جهت رفع مشکل روایت صورت نگرفت و ضمناً با توجه به دعوتنامه رسمی فدراسیون کشتی‌گیران ایران نیازی به روایت شدن اشتند.

علاوه بر سرمربی تیم ملی کشتی، آشناسان، رئیس هیات فوتبال تهران نیز هفته گذشته استعفا کرد.

مدتهاست که اکثر واحدها به حالت تعطیل در آمده است و تنها واحد گوگرد آن مشغول به کار است و کارگاه مرکزی کارخانه فقط کارهای فنی را انجام می‌دهد.

● در مردادماه، یکبار دیگر عده‌ای از کارگران ذوب آهن اصفهان به قید قرعه به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. اعزام اجباری کارگران به جبهه‌های جنگ، مطابق یک برنامه زمانبندی شده صورت می‌گیرد که بر پایه آن کارگران مجبورند به مدت ۴۵ روز در جبهه‌ها بمانند.

● بعد از ماه رمضان طبق تصمیم مدیریت کارخانه آرد و ناهار کارگران این کارخانه قطع شد. مسئولین کارخانه در ایام این ماه بایضاً تابعه قطع ناهار زمینه‌های آنرا بوجود آوردند و پس از چند روز آنرا رسماً اعلام نمودند. همچنین در کارخانه آرد، طی اطلاعیه‌ای از کارگران و کارکنان آن خواسته شده است که خود را در اولیایان بازخرید نمایند.



● کارگران کارخانه جنرال صنعتی در اواخر خردادماه بخاطر اعتراض به حقوق معوقه و قطع نهار و اختصاص سرویس‌های کارخانه به جبهه‌های جنگ دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بدنحال یورش نیروهای سرکوبگر و مسلح سپاه منجر به دستگیری چند تن از کارگران گردید و حرکت اعتراضی کارگران به زور سرنیزه مزدوران سپاه و اداره حفاظت کارخانه سرکوب شد. اما کارگران با ادامه اعتصاب بر سر دستگامهای کارخانه، مسئولین کارخانه را مجبور به آزادی کارگران دستگیر شده نمودند.

● او اسطرد ادماه مسئولین کارخانه بنزخاور با توسل به انواع ترفندها و تهدیدها توانستند، نزدیک به نیمی از کارکنان این کارخانه را بطور دسته‌جمعی واداره بازخرید نمایند.

● پائین آمدن تولید در کارخانه ارج منجر به تبدیل سه شیفت کار به یک شیفت شده است. تاکنون در نتیجه این رکود تولید، عده زیادی از کارگران این کارخانه در دو سوخت اخراج و نیز مجبور به بازخرید شده‌اند.

● چندی پیش در بی اختصاص دو میلیون تومان از وجهات شرکت بررسی گاز به جبهه‌های جنگ ویرانگر توسط مدیرعامل سرسپرده و چند تن از حزب الهی‌های این شرکت، کارکنان بررسی گاز بطور دسته‌جمعی به این اقدام خودسرانه مدیریت اعتراض کردند. در نتیجه گسترش اعتراض، مدیریت سرکوبگران سپاه پاسداران راه کارخانه فرخواند و اعتراض کارگران با دخالت مزدوران سپاه سرکوب شد.

● در کارخانه شیمیایی رازی در بندر ماهشهر-

افزایش نرخ بیمه کشتی‌ها

برای آبراههای خلیج فارس

در بی اوچ گیری حملات ایران و عراق به کشتی‌های بازرگانی و تانکرهای نفتی در خلیج فارس، شرکت بیمه لویدز تصمیم گرفت حق بیمه کشتی‌هایی را که در این منطقه تردد می‌کنند بازم افزایش دهد. روز پنجشنبه ۱۲ شهریور سخنگوی این شرکت در مورد علت افزایش مجدد نرخ بیمه کشتی‌ها گفت:

طی ۵ روز پیش از ۱۱ فروند نفتکش و کشتی بازرگانی در خلیج فارس آسیب دیدند و از همین طریق زیانهای سنگینی به شرکتهای بیمه وارد شده است.

لازم به یادآوری است که ماه گذشته شرکت بیمه لویدز با آغاز دورگیری دریایی جمهوری اسلامی و عراق و برگزاری "مانور شهادت" در دریا توسط جمهوری اسلامی که به توقف تردد بیش از ۵۰ کشتی در تنگه هرمز منجر شد، نرخ بیمه را ۱۲۵ درصد افزایش داد.

از میان دیگر رویدادها

● رسانه‌های خبری جهان روز شنبه ۱۷ شهریور اعلام کردند دولت کویت در اعتراض به حملات موشکی جمهوری اسلامی به خاک این کشور، ۵ تن از دیپلماتهای رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان "عناصر نامطلوب" از کویت اخراج کرد.

● دولت ترکیه اعلام کرد ۹۵ ایرانی مسلح را که در خاک خود بازداشت کرده بود به دولت ایران بازگردانده است. این‌ها از نیروهای پاسدار جمهوری اسلامی بودند که در جریان انجام ماموریت نظامی خود در عراق وارد خاک ترکیه شده بودند. این گروه بزرگ پاسداران در برابر نیروهای نظامی ترکیه تسلیم شدند. مقامات ترک پس از اطلاع از هویت پاسداران، آنها را به ایران هدایت کردند. این عده چهار روز پیش از دستگیری به منظور انجام عملیات نظامی در منطقه کردستان عراق، وارد خاک ترکیه شده بودند.

● محمد رضانوی سرمربی تیم ملی کشتی آزاد از سمت خود استعفا کرد. مجله کیهان ورزشی ۲۴ مرداد، ضمن اعلام این مطلب نوشت، نوایی از جمله کسانی

نقدینگی بخش خصوصی در ۱۰ سال ۱۰ برابر شد

می‌یابد، در نقدینگی بخش خصوصی و افزایش مستمر آن بشدت موثر بوده است. کسری بودجه رژیم که محسول ورشکستگی ارزی و مالی دولت می‌باشد، از طریق استقراض از سیستم بانکی و بوسیله انتشار بی‌رویه اسکناس تأمین می‌شود. مقایسه منحنی کسری بودجه در رشد نقدینگی بخش خصوصی نشان می‌دهد که در تمامی این سالها، بین این دو عامل رابطه‌ای مستقیم برقرار بوده است. همه ساله با افزایش کسری بودجه و پدیده‌های انتشار اسکناس، نقدینگی بخش خصوصی نیز افزایش یافته است. بر اساس آمار دولتی، نرخ افزایش نقدینگی بخش خصوصی از ۱۱ درصد در سال ۶۴ به ۱۵ درصد در سال ۶۵ افزایش یافت و چنانکه گفته شد در سال جاری از مرز عدد نجومی ۱۰۲۰۰ میلیارد ریال فراتر رفته است. حجم مجموعه اسکناس و مسکوک منتشره تنها در فاصله زمانی سال ۵۷ تا ۶۱ - بیش از در پیش گرفتن سیاست انبساطی شدید - دو برابر شد. در همین فاصله زمانی مجموعه سیرده‌های دیداری بخش خصوصی بیش از ۴ برابر افزایش یافت و تنها اسکناس و مسکوک موجود در دست اشخاص دو برابر شد.

حقیقت محض است که رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاستهای خرد و از جمله پیشبرد جنگ و سرکوب، باعث برآوردن نقدینگی بخش خصوصی گشته است. اسناد و آمارهای دولتی به وضوح بر آن دلالت دارند که رژیم از یکسو با در پیش گرفتن سیاست انبساطی، بر حجم گردش پول در جامعه افزوده است و در عین حال قدرت جذب پول توسط سیستم بانکی کشور را ندارد. دولت جمهوری اسلامی در واقعیت امر با اعتراف بر افزایش مداوم نقدینگی بخش خصوصی، قصد دارد تا نقش ویژه خود در افزایش نقدینگی بخش خصوصی و از جمله اتخاذ سیاست انبساطی در اقتصاد بحران زده را از اذهان پنهان دارد.

مخدصات

نقدینگی بخش خصوصی

در تعریف نقدینگی بخش خصوصی گفته شد که نقدینگی بخش خصوصی عبارتست از پول و شبه پول موجود در دست اشخاص. اینک باید این "اشخاص" تعریف شوند. برای باز شناختن اشخاصی که پول و شبه پول را در دست دارند، باید به نحوه توزیع درآمد و اصول نحوه گردش پول در بقیه در صفحه ۹

برآمده از تولید سرمایه دارانه کالا، بخودی خود قادر است که بر عملکرد تولیدی نظارت مستقیم اعمال نماید. جامعه مفروضی که اسمیت به مثابه "مدل" کار خود انتخاب کرده بود و ایده‌هایی که وی در انطباق با خصوصیات چنین مدلی ارائه نموده بود، با غلبه تدریجی انحصارات بر اقتصاد چوامع سرمایه‌داری در هم ریخت و دولت در کشورهای سرمایه‌داری از وظیفه بیشتر و بیشتری در امر کنترل و هدایت برخوردار شد. به مجموعه نقش دولت در عرصه اقتصاد، سیاست پولی و مالی نام نهاده‌اند. دولت‌های سرمایه‌داری از طریق کارگرفت این سیاستها، با

عبارتست از مجموعه اسکناس‌ها و مسکوک‌های موجود در دست افراد باضافه مجموع سیرده‌های دیداری - شامل سیرده‌های تعهدات از جمله چک که بانک در برابر آن متعهد به پرداخت بلادرنگ است - بانضمام سیرده‌های غیردیداری که به آن شبه پول اطلاق می‌شود و شامل سیرده‌های پس انداز و مدت دار می‌شود. در یک کلام، نقدینگی بخش خصوصی عبارتست از پول - اسکناس، مسکوک و چک - شبه پول - سیرده‌های پس انداز و مدت دار - موجود در دست اشخاص. در خصوص نحوه توزیع و پراکندگی این نقدینگی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی، در بخش دیگری از این



جمهوری اسلامی حجم پول در گردش را به میزان سه برابر افزایش داده است

مقاله، خواهیم پرداخت.

نقدینگی بخش خصوصی

و کارکرد دولت

با گذار سرمایه‌داری مبتنی بر رقابت آزاد به سرمایه‌داری انحصاری، باورهای نخستین مکانیسم کارکردی و تنظیم کننده روند تولید و بازتولید رابطه سرمایه و کالا که از سوی آدام اسمیت اقتصاددان انگلیسی ارائه شده بود، در هم ریخت. بر اساس نظریه اسمیت بازار مبتنی بر رقابت آزاد بین تولیدکنندگان، بخودی خود از طریق عملکرد عرضه و تقاضا، رابطه و نظم تولید و توزیع را برعهده می‌گیرد. براساس نظریه اسمیت، دولت کمترین نقش و سهمی را در اداره و کنترل فعالیت‌های اقتصادی برعهده نداشته و منطق

بقیه از صفحه اول

را پیشه ساخته است، از اعتراف به افزایش نقدینگی بخش خصوصی تن نمی‌زند، در واقعیت امر، رژیم می‌کوشد تا با پنهان ساختن عوامل مولد و موثر در حیات و رشد نقدینگی بخش خصوصی - که رژیم خود یکی از خالقین اصلی آن است - همه ناپامانی‌های اقتصادی و اجتماعی محیط پرکشور را صرفاً به آن نسبت داده و بدین ترتیب از شر "واقعیت مزاحم" رهایی یابد. تاکنون، روزنامه‌های دولتی، دست اندرکاران امور اقتصادی رژیم و همچنین شماری از انتشارات آماری "مرکز آمار ایران"، اطلاعات و داده‌های معینی پیرامون افزایش نقدینگی بخش خصوصی ارائه داده‌اند. جدا از تنوع در بیان این پدیده در بین منافع دولتی پیش گفته، جعلی را در این عرصه فصل مشترکی است و آن اینکه با اعتراف به بخشی از حقیقت، کن حقیقت را پنهان‌اند.

اخبار روزنامه دولتی کیهان با انتشار سلسله مقالاتی - به مناسبت هفته دولت - به مسئله نقدینگی بخش خصوصی پرداخته است. این روزنامه اعلام کرده است که میزان نقدینگی بخش خصوصی در فاصله زمانی سالهای ۵۶ تا ۶۶، ده برابر شده و از حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۶ به ۱۰۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۶۶ رسیده است. افزایش ده باره نقدینگی بخش خصوصی و تبدیل شدن میزان آن به یک رقم نجومی، بی‌گمان یکی از عوامل بازتابگر حدت بحران اقتصادی کشور و تجلی دهنده اوج شیرازه گسختگی حیات اقتصادی است. نظری بر مخدصات، عوامل مولد و متدد و همچنین عواقب رشد نقدینگی بخش خصوصی بیافکنیم.

نقدینگی بخش خصوصی

چیست؟

همانگونه که پیش از این اشاره شد، نقدینگی بخش خصوصی یکی از شاخص‌های سنجش میزان بحران در کشورهای سرمایه‌داری است. نخست ضرورت دارد که در معنی اقتصادی و واقعی نقدینگی بخش خصوصی تأمل گردد. نقدینگی بخش خصوصی به معنای یکی از مقولات اقتصادی

درهای بازار کار به روی زنان بسته است

در مورد دلایل این ممنوعیت پافشاری کردیم گفتند که باید با حجت الاسلام متبحری رئیس بخش سیاسی - عقیدتی سازمان صحبت کنیم... آقای متبحری در صحبت تلفنی اظهار کردند که اساساً با هر گونه کار کردن خانها در خارج از منزل مخالفتند. البته مشاغل چون تدریس در مدارس دخترانه و یا برخی از کارهای بیمارستانی را مستثنی نمودند. و (گفتند) البته در بعضی کارخانجات اینجا... خانها هم داریم که در خط تولید کار می کنند اما اساساً مساله خانها و راهیابی آنها به این گونه مشاغل به نظر من یک امر طبیعی نیست... وقتی مامی گوئیم جامعه اسلامی و حکومت اسلامی، معیارها هم باید اسلامی باشد. اگر به چراهی بچفتیم که نمی تواند نقشه کش ساختمان باشد، آیا خواسته ایم شخصیت او را خرد کنیم یا از مقام ورزش او بکاهیم؟ در ابعاد اجتماعی هم به همین شکل است. رسالت خانها در مساله تربیت فرزند، یک رسالت کمی نیست... این طور نیست که حالا اگر یک خانمی بپاید وزام جامعه را به دست گیرد و استاندار و فرماندار شود، شخصیتش در آن تبلور یافته، اساساً مسئله در این است که خانها به نظر بنده بزرگترین رسالتشان همان تربیت اولاد است که فرزندان صالح و شایسته ای تحویل جامعه دهند... در اینجا یاد برخی از ادارات دیگر هیچ لزومی ندارد که خانها باشند. ●

یامرد بودن نیروی کار مورد نیاز خودند ارند، ولی بسیاری از این مراکز پس از اینکه داوطلبانی زن به آنها مراجعه می کنند، با عنوان کردن این مطلب که ترجیح می دهند با آقایان کار کنند و یا اینکه کار آنها طوری است که از عهده خانها خارج است و یا آنکه کلاً با کار کرد خانها مخالف هستند، از پذیرفتن زنان خودداری می کنند.

یک خانم لیسانس علوم تربیتی نیز از عدم موفقیت خود در یافتن شغل چنین می گوید: در خرداد سال ۶۴ فارغ التحصیل شدم و از آن هنگام، در بورد به دنبال کار هستم... تمام پسرهای هم دوره مادر یک جایی شاغل هستند اما اکثر ما دخترها را مثل توپ فوتبال از این اداره به آن اداره پاس می دهند... در فروردین گذشته آگهی استخدامی از طرف سازمان صنایع دفاع در چاپ به چاپ رسید. ابتدا پاسپرست دایره استخدام سازمان تماس گرفتیم و سؤال کردیم که آیا خانها هم نیز می توانند متقاضی کار باشند؟

خیر - چرا؟
- برای اینکه از سال ۶۲ مجوز برای استخدام خانها نداشتیم.

در مورد مسئولیت هایی نظیر مدیریت بعضی قسمتها برای خانها در داخل اداره نیز چون مدیر ممکن است در طول روز ۲۰ یا ۴۰ مراجعه کننده مرد داشته باشد برای صحبت و مشورت با آنان مجبور است در اتاق به تنهایی ملاقاتشان کند لذا به دلیل اینکه حضور زن و مرد نامحرم در یک اتاق حرام است، چنین پست هایی را نیز نمی توان به خانها محول کرد.

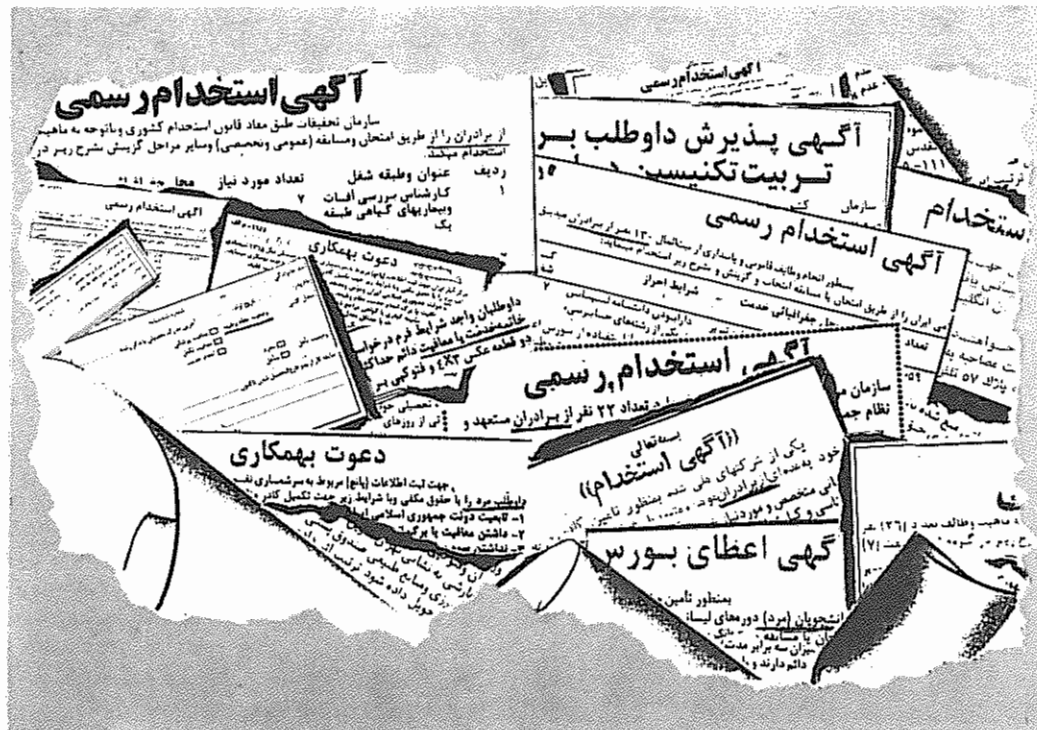
نشریه زن روز در بخشی از گزارش خود نوشته است: "برای اینکه با مشکلاتی که خانها در یافتن شغل دارند آشنا شویم باتنی چند از آنان به صحبت نشستیم. یکی از آنان مهندس راه و ساختمان است. می گوید: "من به وزارت راه مراجعه کردم که گفتند باید برای استخدام خانم مهندس، از وزیر مربوطه کسب اجازه کتبی کنیم!... همچنین اداره پژوهشهای وزارت نفت نیاز به مهندس راه و ساختمان داشت. مصاحبه فنی را انجام دادند... بعد که کار به استخدام رسید گفتند برای استخدام خانم مهندس باید از وزیر اجازه بگیریم.

... اغلب مراکزی که به دنبال نیروی کار هستند و تقاضای خود را از طریق آگهی استخدام به اطلاع عموم می رسانند، مشخصاً تاکید می بر زن

بقیه از صفحه اول
"شانس احراز مشاغل - در مشاغل که هم مرد می تواند انجام دهد هم زن - برای زنان کمتر از مردهاست. یعنی اگر شانس را در یک شغل به شش قسمت تقسیم کنیم شانس زنان در احراز آن شغل یک از شش می شود... عملکرد سال ۶۴ مراکز کاربایی وزارت کار نشان می دهند که در کل کشور، از میان افرادی که توسط این مراکز برای احراز شغل به موسسات و اداراتی که فرصت خالی شغلی داشته اند، معرفی شده اند، ۹۴ درصد را مردان و تنها ۶ درصد را زنان تشکیل می دهند."

"در بی تماسهایی که با ادارات و کارخانه ها و موسسات مختلف که آگهی استخدام در روزنامه ها چاپ می کنند داشتیم، برخی از موسساتی که تحت پوشش سازمان صنایع ملی بودند، ابراز می کردند که با این رخا، های که در سال ۶۴ از طرف سازمان صادر شده است، استخدام خانها ممنوع می باشد... رئیس کارگزینی دیوان محاسبات در جواب اینکه چرا فقط آقایان را استخدام می کنید، پاسخ داد که از سال ۵۸ هیچ خانمی در این اداره استخدام نشده و این کار ممنوع است. معاون طرح و برنامه (دیوان محاسبات) ... دلایل خود را به طور شفاهی برای روشن شدن ذهن ما مطرح کردند که ماحصل آن چنین بود:

"اولاً چون برخی از پست های این سازمان، مأموریت های چندروزه در ماه دارد، لذا خانها از عهده چنین کاری بر نمی آیند. ثانیاً در مورد کارهایی که در داخل شهر انجام می شود نیز چون مجبورند گروهی متشکل از خانها و آقایان را برای بررسی حساب های ادارات به خارج از ساختمان اداره بفرستند و چون این افراد باید در یک اتاق واحد به کارهای خود رسیدگی نمایند، از نظر شرعی صحیح نیست زنان و مردان نامحرم در یک اتاق باشند و جلسه تشکیل دهند. ضمن آنکه برخی از این خانها از مهد کودک و امکانات رفاهی اداراتی که به حساب های آنها رسیدگی می کنند، استفاده می نمایند، لذا ممکن است به علت بعضی ملاحظات، کارهای خود را با صداقت و امانت انجام ندهند و در پاره ای موارد اغماضهایی نسبت به تخلفات مالی ادارات داشته باشند.



بقیه از صفحه آخر

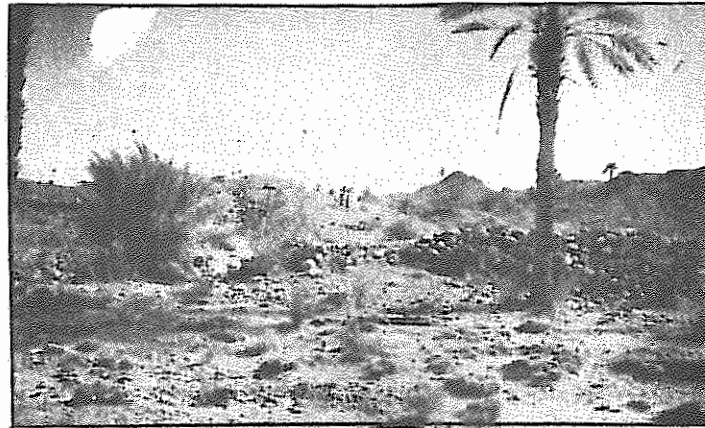
سوسنگرد - اندیشک - دزفول شوشتر و شادگان صورت می‌گیرد. مکانیزم عمل در این عرصه به این شکل است که گروهی از سرمایه‌داران بازار (میدانداران، واسطه‌ها و سلف‌خرها) که معمولاً در میادین تره‌بار صاحب قدرت و نفوذ هستند، خود را سابه اجاره زمین از شیوخ و فئودالها اقدام می‌کنند. آنها با امکانات مالی و سرمایه‌گفتی که دارند، قادر به کشت پرهزینه پلاستیکی هستند. برای تأمین نیروی کار نیز با ازدهقانان بی زمین و کم زمین روستاهای خوزستان استفاده می‌کنند و با اینکه از استانهای اصفهان و چهارمحال بختیاری و سایر استانها هم‌چو کارگران کشاورزی می‌بردند. وضعیت زندگی و کار دشوار این کارگران بغایت دردناک است. آنان مجبورند ماهها دور از خانه و کاشانه خود در گرمای استخوانسوز خوزستان تن به استثمار و حشيانه سرمایه‌داران بدهند تا نان خشک و بخور نمیری برای خانواده خود به چنگ آورند.

سرمایه‌داران مزبور با بهره‌گیری از بند و بست‌هایی که با مقامات دولتی دارند، تراکتور، پمپ، بذر، کود، سم و... را به نرخ دولتی از جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی دریافت می‌کنند. به این ترتیب هزینه تمام شده محصولات آنها بسیار کمتر از هزینه‌ای است که دهقانان درازا، تهیه همین محصولات متحمل می‌شوند، زیرا دهقانان ناگزیر هستند بخش اعظم وسایل مورد نیاز کشاورزی را از بازار سیاه تهیه کنند.

سرمایه‌داران بازار، میدانداران و سلف‌خرها، بعد از برداشت محصول مکانیزم خاصی را نیز برای فروش محصولات به وجود آورده‌اند. آنها سعی می‌کنند به اشکال مختلف محصولات را با حداکثر سود به فروش برسانند. آنان در فصل برداشت محصول، با ایجاد کمبودهای مصنوعی در میادین تره‌بار، حتی در مرکز تولید نرخ محصولات را به حداکثر ممکن می‌رسانند. علاوه بر این محصولات در کشت پرهزینه پلاستیکی بسیار زودتر به دست می‌آید و به صورت ثورانه در بازار به فروش می‌رسند. دهقانان فقیر که قادر به تأمین هزینه کشت پلاستیکی نیستند ناگزیرند پهای ناچیز محصولات خود را در بازار بپذیرند.

گسترش بهره‌برداری به این شیوه توسط سرمایه‌داران، از زمین‌های کشاورزی در سطح خوزستان، باعث

بیداد قرون وسطایی در روستاهای خوزستان



تومان، ماهانه خرج جنگ ویرانگر می‌کند، با عدم زهکشی زمین‌های مرغوب این منطقه، تدریجاً تمامی منابع کشاورزی خوزستان را به نابودی می‌کشاند. اکنون تمام زمینهای مرغوب نوار مرزی ایران و عراق، حتی تا عمق ۸۰ کیلومتری خاک ایران بر اثر عدم زهکشی غیر قابل استفاده شده‌اند. در صورتی که با بودجه ناچیزی می‌شد مانع نابودی و سوختن این زمین‌ها می‌گردد.

وضعیت کشت و صنعت کارون

یکی دیگر از ابعاد فاجعه‌بار سیاست‌های رژیم را می‌توان در وضعیت فعلی مجتمع‌های کشت و صنعت خوزستان، بویژه کشت و صنعت کارون واقع در ۲۵ کیلومتری شوشتر مشاهده کرد. هم‌اکنون کشت و صنعت کارون، با نزدیک به ۱۰ هزار پرسنل بر اثر جنگ و بی‌لیاقتی مسئولین آن در حال ورشکستگی و در معرض تعطیلی قرار دارد. در نیمه اول سال ۶۵، بر اثر بهارانه‌های مکرر رژیم عراق عملاً قسمت اصلی کارخانه از کار افتاد و به جز یک آسیاب بقیه بطور کامل تخریب شدند. در نتیجه تخریب این قسمت‌ها، در فصل برداشت نیشکر در تابستان سال ۶۵ محصول حدود ۲۴ هزار هکتار نیشکر برداشت نشد. در جریان این بهارانه‌ها، حداقل ۲۰۰ کارگر کشته و بیش از ۵۰۰ نفر مجروح شدند. رژیم در جهت واگذاری مجتمع‌های کشت و صنعت به سرمایه‌داران، تاکنون کامیابی نیز برداشته است و اکنون زمین‌های واگذاری کشت و صنعت به بخش خصوصی را هم فراهم می‌کند. تاکنون

ورشکستگی بسیاری از دهقانان منطقه گردیده است. خرده‌مالکان که توان رقابت با سرمایه‌داران بازار را ندارند، غالباً به علت عدم توانایی در فروش محصولات خود در بازار از ادامه کار بازمی‌مانندند. رژیم با واگذاری زمین‌های دهقانان خوزستان به بزرگ‌مالکان نه تنها باعث خانگی‌سازی روستائیان گردیده است، که با هموار کردن زمین‌های غارت سرمایه‌داران خرده‌مالکان را نیز به ورشکستگی سوق داده است. از هم‌اکنون آثار این ورشکستگی را در افزایش هرچه بیشتر فقر دهقانان و نیز رشد سریع مهاجرت دهقانان به شهرها می‌توان مشاهده کرد.

"سرختن" اراضی کشاورزی

در کنار گسترش بی‌سابقه سرمایه‌داران بازار در زمین‌های کشاورزی خوزستان، طی سال‌های اخیر به لحاظ بهره‌برداری غیر اصولی از زمین‌های مرغوب و به خاطر عدم آبیاری و زهکشی به موقع آنها که به تبعیت از تأمین سود حداکثر صورت می‌گیرد در صد قابل توجهی از بهترین زمین‌های قابل کشت خوزستان بویژه، زمین‌های اطراف اهواز، کوت عبدالله، زمین‌های اطراف حمیدیه و پستان و بخشی از زمین‌های شادگان غیر قابل استفاده شده‌اند و به قول روستائیان "سرختن‌اند".

صرفه نظر از استفاده بی‌رویه و غیر اصولی سرمایه‌داران از زمین‌های کشاورزی خوزستان، دولت نیز با عدم رسیدگی و توجه به این زمین‌ها خطر بسیار بزرگی را برای آینده کشاورزی این استان به وجود آورده است. رژیم جنگ طلب در شرایطی که میلیاردها

کارخانه خوراک دام و طیور و نیز مجتمع پرورش ماهی که وابسته به کشت و صنعت کارون هستند به بخش خصوصی سپرده شده‌اند.

در نتیجه سیاستهای کارگرتیز رژیم، وضعیت کارگران رسمی و کارگران فصلی کشت و صنعت کارون روز بروز بدتر و وخیم‌تر می‌شود. کارگران این مجتمع تا بحال در اعتراض به این شرایط چند بار در سالیهای ۶۲، ۶۴، ۶۵ دست به اعتصاب زده‌اند. آخرین اعتراض آنان که در "اکثريت" شماره ۱۶۵ خبر آن انعکاس یافت، به صورت تحصن در ۶ تیرماه سال جاری صورت گرفت که به لحاظ وسعت و شرکت تمامی پرسنل مجتمع در آن یکی از فرازهای مهم مبارزات کارگران کشت و صنعت کارون بشمار می‌آید. این حرکت اعتراضی در عین حال از بزرگترین حرکات مبارزاتی کارگران ایران در سال جاری نیز محسوب می‌شود. تحصن دراز مدت تیرماه در ارتقا روحیه رزمنده کارگران کشت و صنعت تاثیر بسزایی بر جای نهاد.

فشار مضاعف

بر روستائیان خلق عرب

سیاستهای ویرانگر رژیم در روستاهای خوزستان، بیش از همه بر زندگی دهقانان عرب تاثیر فلاتک‌باری گذاشته است. رژیم دهقانان عرب را بطرز وحشیانه‌ای مورد ستم قرار می‌دهد. علاوه بر آنکه صدها هزار روستایی عرب ساکن منطقه مرزی ایران و عراق، بر اثر جنگ وحشیانه خمینی هنوز کماکان در بی‌فوله‌های اطراف شهرها به بدترین شکل ممکن پسر می‌برند، گروهی دیگر از آنان، بوسیله رژیم کوچ اجباری داده شده‌اند. مسئولین رژیم در خوزستان، در پائیز و زمستان سال ۶۴، قبل از شروع عملیات موسم به والفجر ۸ (عملیات فار) روستائیان عرب ساکن در اطراف آبادان و شادگان و نیز مناطق ماهین این دو شهر را به بهانه اینکه عده‌ای از شیوخ با رژیم عراق همکاری می‌کنند، از این مناطق به اطراف بهبهان و رامهرمز کوچ اجباری دادند. روستائیان زحمتکش در مقابل این اقدام ظالمانه رژیم دست به مقاومت زدند، اما در مقابل سرکوب وحشیانه و لجام‌گسیخته پاسداران نتوانستند خانه و کاشانه خود را حفظ کنند.

رژیم در بین ساکنین عرب و خوزستان، تنها با شیوخ عرب روابط برادرانه دارد. شیوخ عرب روز بروز تحت حمایت‌های همه جانبه مسئولین

صمد در «بایاتی» های آذربایجان



صمد (دوبیتی) از سروده های زحمتکشان و عاشق های آذربایجان درباره او برگزیده ایم. این «بایاتی» ها شایسته ترین داوری خلق درباره صمد است.

صمد بهرنگی برجسته ترین نمونه داوری شایسته خلق درباره فرزندان راستین خویش است. در تاریخ ملتها شخصیت های نادری وجود دارند که محبت شان آنچنان در دل خلق می نشیند که یاد و نامشان در سروده های و نغمه های مردمی همواره جاری و زنده می ماند. زندگی صمد که عمیقاً با زندگی رنج آورده زحمتکشان شهر و روستا و با احساس و عاطفه آنان گره خورده بود، از وی چنین سیمایی ساخت. صمد در شعر آن کارگر قالیباف و در خاطره دهقان روستاهای "مغان"، "آخر همان" و ... در ساز و آواز "عاشق" ها و در اندیشه هر مبارز رزمنده می زید و خواهد زیست. آری، زندگی صمد، صمد را جاودانه ساخت. در نوزدهمین سالگرد خاموشی معلم بزرگ زحمتکشان آذربایجان چند «بایاتی»

نقدی بختی بخش خصوصی...

بقیه از صفحه ۶

جامعه اشاره کرد. سیاستهای پولی و مالی دولت جمهوری اسلامی و بر همین بستر بحران قطع رشد و یا به سکنه افتادن رشد اقتصادی که منجر به توقف و یا فلج شدن تولید گردید می تواند در تشخیص این "اشخاص" موثر افتد. توزیع ناعادلانه ثروت در جمهوری اسلامی به گونه ای است که پول در گردش همواره در دست عده ای محدود انباشته شده و توده ها به سید روزی و فقر بیشتر درمی غلطند. در یک کلام، بخش عمده و اصلی این نقدبختی انبان انبوه متمولین و صاحبان سرمایه است و تهیدستان در هر دور، فقر به انبان می کنند. ویژگی اصلی نقدبختی بخش خصوصی در جمهوری اسلامی گرایش غیرمولد آن است. این نقدبختی بدانگونه که توسط سیاستهای انبساطی دولت باز آفریده می شود، از آنرو که توسط سیستم بانکی جذب نمی گردد به سرمایه های سرگردانی فرا می رود که هر چه بیشتر گرایش به عرصه غیرمولد اقتصاد دارد. منطق کارکرد سرمایه، سودآوری است و در جمهوری اسلامی و در چارچوب اقتصاد شیرازه گسیخته، کنتش تجاری، دلالی و واسطه گری سود کلان در بردارد و از این رو نقدبختی بخش خصوصی به بهای ورشکستگی تدریجی اقتصاد کشور نه تنها خود به عرصه کارهای انتکلی و غیر مولد متمایل است، بلکه همواره چون منبع جاذبی، سرمایه های تولیدی را نیز هر چه بیشتر بسوی سرمایه های غیرمولد می کشاند. بنابر این مختصات نقدبختی بخش خصوصی موجود در کشور را در دو عرصه می توان بیان کرد، نخست آنکه این نقدبختی شدت غیرمولد است و دوم آنکه بر بستر نحوه توزیع ثروت در جامعه، بطور روز افزون در دست عده معدودتری انباشت می شود.

محصول مستقیم نقدبختی بخش خصوصی، تورم لجام گسیخته است. نقدبختی بخش خصوصی با ویژگی غیرمولد آن و خصمیت تمرکز آن در دست عده ای سرمایه دار بر راستای کمبود عظیم کالا، تنها به معنای تشدید تورم و گرانی است. اعتراف رژیم به افزایش نقدبختی بخش خصوصی، در واقع اعتراف به ورشکستگی اقتصادی دولت و در واقع شاهد سید روزی توده هاست. افزایش نقدبختی بخش خصوصی، نشانه حدت بیماری اقتصاد کشور، نشانه حدت بیماری اقتصاد کشور، نشانه فرار سرمایه از تولید به دلالی واسطه گری است.

صمد گلیر آشا - آشا
نه خان ثانیره پاشا
شله سی دولو کتاب
پایلی بیر باشدان پاشا
آراز سندر، کیم گشتدی؟
کیم غیق اولدو کیم گشتدی؟
صدی سن یو شمازین،
سویله باغین کیم دنددی!؟
دوتیکای توتودید شان و شهرتین
آفرین آدنیا صمد بهرنگی.
ایپدی لیکده هیچ یوخوش ابرادین
آفرین آدنیا صمد بهرنگی.
خلقیق پولون گشتدی صمد
جانین فدا گشتدی صمد
آزیمینسا ییتدی صمد
آچیلدی باغلی گوزوسوز
ماز سینه مده صمد، دئییب باغیرام،
پایک لری، نیسی لری چاغیرام.
چتی چالبه، پولاد سکر قاپیرام،
تیتره درم ظالمون دیزلرین.
سن دئییردین کی: هیچ واخت
قارا بالیق پاتادی
گندیب، یولداین آختاردی
سقالردان نورخادی

رژیم قدرت بیشتری می گیرند. اکنون اکثر شوراهای اسلامی روستایی و سایر تشکلهای روستایی تحت سیطره و نفوذ شیوخ عرب قرار دارند. آنان با استفاده از این امکانات، سیاهترین ستمها را در حق روستائیان عرب اعمال می کنند. هم اکنون توسط شیوخ عرب در روستاهای عرب نشین خوزستان، قرون وسطایی ترین احکام و قوانین احیاء شده و اجرا می شود. شیوخ به راحتی آب خوردن، حکم سربریدن زنان و قتل فجیع دهقانان زحمتکش عرب را صادر می کنند. رژیم بمنظور مرعوب کردن روستائیان زحمتکش عرب، به شیوخ و این اقدامات چنانیکاران آنها خود را سخت نیازمند احساس می کند و از همینروست که شیوخ با اتکا به حمایت های برادرانه مسئولین رژیم از هیچ جنایت فجیعی فروگذار نمی کنند.

روستائیان زحمتکش عرب علیرغم همه این ستم های ویژه رژیم و جنایات شیوخ، از مبارزه با عوامل رژیم و شیوخ باز نایستاده اند. شرکت گسترده آنان در قیام خلق عرب در اردیبهشت سال ۶۴ مقاومت آنان در مقابل کوچ اجباری روستائیان عرب اطراف شادگان و آبادان در پائیز و زمستان همان سال و نیز مقاومت و مبارزه خونین دهقانان زحمتکش خلف آباد و رامشیر و روستاهای اطراف ماهشهر در مقابل سرکوب وحشیانه رژیم و شیوخ عرب، فرازهایی از مبارزات زحمتکشان خلق عرب است.

بیداد قرون وسطایی رژیم فقها در روستاهای خوزستان، نفرت سوزان دهقانان زحمتکش را هر چه می گذرد، پررنگانه تر می سازد. رژیم اکنون بیشتر از هر زمانی آماج تنفر و خشم دهقانان زحمتکش خوزستان است. انزوی رژیم در میان زحمتکشان خوزستان، بیشتر از همه در عجز و زبونی آنان در پیچ نیرو برای چپه های چنگ، نمود بارز می یابد. اکنون توان رژیم برای پیچ جوانان روستاهای خوزستان برای چپه ها فرسوده گشته و در موارد مکرری تلاش مسئولین رژیم در این زمینه با مقاومت زحمتکشان درهم کوبیده شده است. رژیم حتی در چندین مورد اقدام به ربودن جوانان روستاهای خوزستان نمود که این طرچه های چنانیکارانه نیز، با مقاومت شدید روستائیان زحمتکش در نطفه خفه شد. روستائیان حتی در مواردی موفق شدند، فرزندان ربوده شده خود را از چنگال خونریز آدم ربایان رژیم فقیهان خارج سازند.



«دولت و انقلاب» رهگشای انقلاب

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

تئوری دولت در جهان بیینی طبقه کارگر

«دولت و انقلاب» - همین عنوان حاکی از این است که لنین در این اثر، به مسائل سیاسی مهم جهان بیینی کمونیستی و مبارزه عملی جنبش انقلابی می پردازد. موضوع این اثر، به ویژه ضرورت برقراری قدرت سیاسی طبقه کارگر برای ایجاد جامعه بی طبقه کمونیستی است، جامعه ای که صلح، عدالت اجتماعی و بدین طریق رشد آزاد همه جانبه انسانها را تامین می کند. لنین، علیرغم همه توهمات فرمبستی و خیالپافی های آتارشیستی، ثابت می کند که انقلاب پرولتری و دیکتاتوری پرولتاریا، ادامه اعتدالی تاریخی بشریت و رهایی قطعی اش از استثمار و ستم را تضمین، و عالی ترین مرحله تکامل دگرگسی را ایجاد خواهد کرد.

بدین ترتیب، لنین جهان شمول بودن کشفیات و آموزشهای مارکس را نشان می دهد. برای درک «دولت و انقلاب» قطعاً مفید است که به یاد آوریم مارکس چگونه مهمترین عناصر آموزشهای تئوریک خود را در عرصه سیاست، جمع بندی کرده است، «تا آنجا که به من مربوط می شود، نه موجودیت طبقات در جامعه امروزی و نه مبارزه آنها با یکدیگر را من کشف نکرده ام. مدت ها پیش از من، تاریخ نویسان بورژوازی، به تحول تاریخی این مبارزه طبقات و اقتصاددانان بورژوازی، به تشریح اقتصادی این طبقات پرداخته بودند. کاری که من برای نخستین بار انجام دادم، از این قرار بود، اولاً نشان دادم که موجودیت طبقات تنها به مراحل همین تکامل تاریخی تولید مربوط است. ثانیاً ثابت کردم که مبارزه طبقاتی بطور اجتناب ناپذیر به دیکتاتوری پرولتاریا می انجامد. ثالثاً نشان دادم که این دیکتاتوری، خود تنها مرحله گذار به مرحله طبقات و جامعه بی طبقه را تشکیل می دهد.» (۱)

لنین در «دولت و انقلاب» مدلل می کند که این عنصر نو در نظریات مارکس، چگونه ایجاد شد، و به شکل تاریخی - سیستماتیک، موضع طبقه کارگر در قبال دولت را، بگونه ای که برای گذار از سرمایه داری به جامعه کمونیستی ضروری است، تشریح می کند. لنین با افزودن نتیجه گیریهای جدید به دست آمده از تحلیل مبارزه طبقاتی در دوران امپریالیسم و انقلاب پرولتری بر کشفیات مارکس و انتکس در این رابطه، برغنائی این کشفیات می افزاید. «دولت و انقلاب» که در آستانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نوشته شده است، حاوی استدلال علمی برای برقراری قدرت سیاسی طبقه کارگر است. لنین در عین حال در این اثر، راه پیشروی به سوی آینده کمونیستی را که مشخصه آن، شرکت هرچه موثرتر زحمتکشان تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست خود در اداره و برنامه ریزی همه امور اجتماعی است، ترسیم می کند.

ثیوری حیات بخش و اعتبار اندیشه های این

اثر، در روند نتایج ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، در مبارزات انقلابی طبقه کارگر بر ضد سرمایه انحصاری، و در نقشه های استراتژیک احزاب مارکسیست - لنینیست جهت برقراری شرایط اجتماعی دگرگانی و سوسیالیستی، بازتاب می یابد.

«دولت و انقلاب» در مبارزه بر ضد انواع و اقسام تلاشها برای بی محتوی کردن کمونیسم علمی از طریق تجدیدنظر تدریجی در مواضع اصلی آن، از مبرمیت ویژه ای برخوردار است. بورژوازی همواره به اینگونه مسخ ایورتونیستی مارکسیسم یاری رسانده، خود بطور فعال بدان پرداخته است. و بر این مبنا کوشش می شود که مارکسیسم و لنینیسم در مقابل هم گذاشته شوند. اثر «دولت و انقلاب»، اثباتی برای وحدت مارکسیسم و لنینیسم است و براهین علمی را در مبارزه با همه تلاشها جهت تهی کردن مارکسیسم از محتوای انقلابی آن و انکار جهان شمول بودن لنینیسم، تامین می کند...

ساختار «دولت و انقلاب» چگونه است؟
لنین در فصل نخست، به توضیح موضع مارکسیسم در قبال دولت و طرح مسئله محوری اثر خود می پردازد. در فصول دوم، سوم و چهارم، لنین روند تحول تاریخی - تئوریک آموزشهای مارکس و انگلس را تشریح می کند و کشفیات مارکس و انگلس در باره ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی کهنه بورژوازی، و وظایف دولت پرولتری را مورد تأکید قرار داده و بدانهائی بیشتری می بخشد.

لنین در فصل پنجم به تحول دولت و دگرگسی در ساختمان جامعه کمونیستی می پردازد. وی اساسی ترین مشخصات و مراحل تکوین کمونیسم را که مارکس مستدل کرده است، بگونه ای عمیق تر تشریح می کند و گسترش می دهد.

لنین در فصل ششم در بحث با پلخائف و کائوتسکی نشان می دهد که طفره رفتن از پاسخ دادن به مسئله رابطه انقلاب پرولتری با دولت، به مسخ و بی محتوی کردن کامل مارکسیسم می انجامد.

بنا بر این، منطق درونی «دولت و انقلاب» را می توان چنین ترسیم کرد،

- طرح مسئله.

- ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی کهنه.

- وظایف و چشم اندازهای دولت پرولتری، در پیوند با مراحل تکامل جامعه کمونیستی....

شرایط تاریخی پدید آیش اثر و وظایف آن

لنین پس از سالها کار تدارکاتی همه جانبه، کتاب «دولت و انقلاب» را در ماههای اوت و سپتامبر ۱۹۱۷ به رشته تحریر درآورد. در آن زمان، کارگران و دهقانان روسیه برای سرنگون کردن حکومت طبقه سرمایه دار آماده می شدند و تحت رهبری حزب بلشویکها، در حال گذار از انقلاب بورژوازی - دگرگانی، که در فوریه ۱۹۱۷ به خلق پد از

تزار انجامیده بود، به انقلاب سوسیالیستی بودند. در آن هفته های پیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، لنین بیش از ۶۰ اثر، از جمله «دولت و انقلاب» و آثار دیگری با اهمیت برنامه ای فراوان، مانند «خطر فلاکت و چگونگی مبارزه با آن»، «آیا بلشویکها قدرت دولتی را حفظ خواهند کرد؟» و «درباره اصلاح برنامه حزب» را نوشت. در «تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی» در باره اهمیت این آثار آمده است، «لنین در این آثار، توجه اصلی را به مدلل کردن همه جانبه قانونمند بودن و اجتناب ناپذیری تاریخی انقلاب سوسیالیستی در روسیه و آشکار کردن وظایف درجه اولی آن، معطوف کرد. وی از موضع علمی، بی پایه بودن مواضع تئوریک های منشویک را نشان داد و حزب را به آموزشهای تئوریک مجهز کرد که بر آمادگی پیشاهنگ پرولتری برای مبارزه جهت ایفای رسالت بزرگ تاریخی آن، افزودند. این آموزشهای جدید، به حزب بلشویک امکان دادند به مهمترین مسائل مطروحه توسط زندگی و انقلاب، پاسخ درست داده، اکثریت خلق را به سوی خود جلب کنند.» (۲)

تضادهای اجتماعی در داخل روسیه به بیشترین میزان تشدید شده و توده های خلق عمیقاً از جنگ جهانی امپریالیستی به خشم آمده بودند. این امر، به موقعیتی انقلابی انجامیده بود که بطور پلاوا سله، انقلاب پرولتری را در دستور روز قرار می داد. در روسیه، کشوری با امپریالیسم نظامی - فئودالی، هم شرایط عینی و هم شرایط ذهنی برپایی قدرت سیاسی طبقه کارگر، آماده می شد. در چنین شرایطی بود که لنین در «دولت و انقلاب» راه و وظایف سیاسی اصلی مبارزه برای سرنگونی بورژوازی، متلاشی کردن ماشین دولتی آن و ساختن آینده ای کمونیستی را نشان داد.

اما این اثر با موقعیت ویژه جنبش انقلابی روسیه در سال ۱۹۱۷ گره نخورده است، زیرا لنین در آن، به اصلی ترین مسائل مبارزه سیاسی که با فراهم آمدن شرایط عینی انقلاب پرولتری، جنبش انقلابی بین المللی کارگری در برابر آن قرار گرفته بود، پاسخ می دهد. بنابراین، در «دولت و انقلاب» که از جمله آثار کلاسیک لنینیسم است، قانونمندیهای عام اجتماعی و سیاسی و ضروریات گذار بشریت از سرمایه داری به سوسیالیسم نشان داده می شوند.

این امر، ریشه در آن دارد که با چابکترین شدن سرمایه داری ماقبل انحصاری توسط امپریالیسم، انقلاب پرولتری بطور پلاوا فصل در دستور تاریخ قرار گرفت. جنبش بین المللی کارگری دیگر وظیفه داشت به یورش بر دژهای سرمایه روی آورد. دورانی جدید، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، آغاز خود را اعلام می کرد.

بنا بر این، این ضرورت ایجاد شده بود که مارکسیسم، و به ویژه تئوری انقلاب، تکامل یابد تا

مبارزه طبقه کارگر و متحدان آن به لحاظ سیاسی به طرز صحیح رهبری شود. به عبارت دیگر، ضروریات عملی جنبش انقلابی، کار بیشتری در گسترش آموزشهای مارکس و انگلس در پاره دولت و به ویژه موضع پرولتاریای انقلابی در قبال دولت را ضروری کرده بود.

اما افزون بر این، دلیل مهم دیگری نیز برای نگارش "دولت و انقلاب" وجود داشت. رهبران بین الملل دوم، آموزشهای مارکس در پاره دولت و انقلاب را تحریف و در جنبش کارگری نوعی مارکسیسم مسخ شده و تئوی از محتوای انقلابی را ترویج می کردند. درست از این زاویه، رابطه میان امپریالیسم و اپورتونیزم آشکار شده بود. اپورتونیزم به مثابه ایدئولوژی انطباق یافتن جنبش کارگری با شرایط سرمایه داری، بنا به ماهیت خود، مبلغ سیاست اصلاح طلبانه ای بود که موجودیت نظام سرمایه داری را به خطر نمی افکند. این دست کشیدن از مارکسیسم، در آغاز با این ادعای اپورتونیزمها همراه بود که "همچنان سوسیالیسم را می خواهیم - اما از راهی دیگر". اپورتونیزم، توم "راهی جدید" و "راه سوم" به سوی سوسیالیسم را ایجاد کرد. این در حالی بود که کن روند تحول تاریخی، از جمله تشدید همه تضادهای امپریالیسم در جنگ جهانی اول، به سوی محور انقلابی سرمایه داری سمت گرفته بود. اما اپورتونیزمهای بین الملل دوم، از همان آغاز جنگ تحت شعار "آرامش پشت جبهه" در کشور جانب بورژوازی "خودی" را گرفتند. این اعلام وفاداری آشکار به دولت امپریالیستی، بدین معنی بود که اپورتونیزمها بطور قطعی از سیاست طبقاتی انترناسیونالیستی پرولتاریا روی گردانده بودند. این سیاست، به ویژه در اتخاذ شی سوسیالیسم و سیاست "دفاع از میهن" با زاناب می یافت. آزادی توده های زحمتکش از نفوذ بورژوازی امپریالیستی "بدون مبارزه با پیشداوریهای اپورتونیزمی در رابطه با" دولت "ناممکن" بود. (۳)

بدین ترتیب، اپورتونیزم مانع آرایش قوای پرولتاریا ورشد آگاهی و سازمان یافتگی آن به مثابه شرط ضروری انقلاب سوسیالیستی بود. این نیز دلیل دیگری بود بر ضرورت مبرم تدوین همه جانبه تئوری های مارکسیسم در پاره دولت و انقلاب. لنین در مقدمه "دولت و انقلاب" بدین امر اشاره دارد. وی در این مقدمه "مسئله رابطه انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا با دولت" را "مسئله ای مربوط به آگاه کردن توده ها از کارهایی که باید جهت رهایی از یوغ سرمایه در آینده نزدیک انجام دهند" می نامد. (۴) سوتیر اثر لنین چنین است: "آموزش مارکسیسم در پاره دولت و وظایف پرولتاریا در انقلاب". لنین نخست "همه بخشهای مهم از آثار مارکس و انگلس در پاره مسئله دولت" را تحلیل می کند. (۵) هدف او از این کار، تشریح شکل گیری و ماهیت دولت، رابطه پرولتاریا با دولت، به ویژه در دوره انقلاب پرولتاری، و نیز روند زوال دولت در مرحله عالی تر جامعه کمونیستی است.

لنین پیش از نگارش "دولت و انقلاب"، به مطالعه دقیق، یادداشت برداری و ارزیابی احکام مارکس و انگلس در پاره دولت پرداخته بود. یادداشت برداری ها و حاشیه نویسی های او بر آثار مربوطه مارکس و انگلس، برای هر کس که بدین مسائل بپردازد، بسیار جالب است. این کارهای مقدماتی، تحت عنوان "مارکسیسم و دولت" انتشار یافته و به "دفتر آبی" هم مشهورند. اوایل ژوئیه ۱۹۱۷، هنگامی که ارتجاع نقشه قتل لنین را کشیده بود، وی در یک یادداشت شخصی نوشت: "اگر مرا کشتند... دفتر مارکسیسم و دولت" مرا که در استیکلم مانده است، منتشر کنید. جلد آبی دارد و صحافی شده است. در

این دفتر، همه نقل قول های مارکس و انگلس و نیز نقل قول های کائوتسکی علیه پانکوک جمع آوری شده است. فکر می کنم بشود پس از یک هفته کار آن را منتشر کرد. من این کار را مهم می دانم زیرا نه تنها در نوشته های پلخانف، بلکه در نظرات کائوتسکی هم سردرگمی حاکم است. (۶)

لنین موفق شد "دولت و انقلاب" را در شرایط دشوار، در مخفی گاه، به پایان برساند. این اثر برای نخستین بار بطور کامل در سال ۱۹۱۸ منتشر شد. در دسامبر ۱۹۱۷، مقدمه و دو بخش نخست فصل اول کتاب، در "پراودا" انتشار یافت. این کتاب، به سرعت رواج گسترده ای یافت...

لنین در "دولت و انقلاب" چه وظایفی در بر ابر خود قرار داده بود؟

لنین در همان آغاز فصل نخست - "جامعه طبقاتی و دولت" - از تلاشهای رویزونیستی برای پی محتوی کردن مارکسیسم چنین نتیجه می گیرد: "در چنین شرایطی، در حالی که تحریف مارکسیسم، رواج تحمل ناپذیری یافته است، وظیفه ما در وهله نخست امیهای آموزش واقعی مارکس در پاره دولت است." (۷) وی آنگاه به توضیح روشی که برای حل این مسئله به کار برده است، می پردازد: "بدین منظور، لازم خواهد بود یک سلسله نقل قول های طولانی از خود آثار مارکس و انگلس بیاوریم... باید همه یا حداقل مهمترین بخشهای آثار مارکس و انگلس در پاره مسئله دولت را حتماً بگونه ای حتی المقدور قابل فهم درج کرد تا خواننده، به داوری مستقلی در پاره کن نظرات بنیانگذاران سوسیالیسم علمی و در پاره تکامل این نظرات، برسد، تا همچنین مسخ این نظرات توسط "کائوتسکی کری" حاکم امروزی، بطور مستند اثبات و به وضوح نشان داده شود." (۸)

لنین، تحلیل نظرات مارکس و انگلس را با تعمیم تجارب کمون پاریس، انقلابات ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ و فوریه ۱۹۱۷ روسیه و نیز تجارب دیگر جنبش بین المللی کارگری همراه می کند و بدینگونه، به مدلل کردن ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و ایجاد قدرت نوین دولتی، یعنی دیکتاتوری پرولتاریا، می پردازد.

موضوع پژوهش های علمی در "دولت و انقلاب" کدام است؟

لنین، تشریح آموزش مارکسیسم در پاره دولت را با اثبات این امر آغاز می کند که دولت، "تیره و بازتاب آشتی ناپذیری تضادهای طبقاتی" (۹) است. وی در اینجا، به "منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" اثر انگلس در سال ۱۸۸۴، استناد می کند. لنین بعدها، در ژوئیه ۱۹۱۹، در سخنرانی خود تحت عنوان "در پاره دولت" به تشریح دقیق منشأ تاریخی و ماهیت دولت می پردازد. (۱۰)

در بخش نخست "دولت و انقلاب"، لنین در شیوه اصلی تحریف مارکسیسم را برمی شمارد. نخست آنکه ایدئولوگ های بورژوازی و خرده بورژوازی، به ویژه رهبران بین الملل دوم، گرچه می پذیرفتند که دولت، تنها جایی وجود دارد که مبارزه طبقاتی و تضادهای طبقاتی وجود داشته باشد، اما می کشیدند دولت را ارگان آشتی طبقاتی قلمداد کنند. لنین می نویسد پیروان چنین تئوری، نه سوسیالیست، "که دمکراتهای خرده بورژوا با عبارت پردازی شبه سوسیالیستی اند." (۱۱) شیوه دوم تحریف مارکسیسم در رابطه با مسئله دولت، یعنی شیوه کائوتسکی، "بسیار ظریف تر" بود. این شیوه، گرچه علناً انکار نمی کرد که دولت، ارگان حاکمیت طبقاتی است، اما نتیجه گیریهای مارکس از این امر، یعنی این امر را که بدون انقلاب قهرآمیز و درهم شکستن ماشین دولتی کهنه، گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ناممکن است، مسکوت می گذاشت یا از آن دست می کشید.

لنین، با تکیه بر آموزشهای مارکس و انگلس، ضرورت انقلاب پرولتاری را که می تواند از راه مسالمت آمیز و یا از طریق قیام مسلحانه انجام پذیرد، مدلل می کند. اما این انقلاب هرگز آنگونه که می کشند ایدئولوگ های "سوسیالیسم دمکراتیک" می کشند اتفاقا کفند، بدون اعمال قهر و از طریق یک روند تدریجی طولانی استحاله سرمایه داری به سوسیالیسم انجام نمی پذیرد. سیاست اصلاحی سوسیال - دمکراتیسم، متوجه تحکیم نظام امپریالیستی بوده و هست.

بحث با نظریات اپورتونیستی کائوتسکی در "دولت و انقلاب" همچنین متوجه اثبات این امر است که در هم شکستن ماشین کهنه قوه دولتی، که توسط طبقات استثمارگر حاکم ایجاد شده است، ضروری است. از این رو لنین در فصل نخست اثر خود به توضیح این نکته می پردازد که قدرت دولتی از چه چیز تشکیل می شود و چرا ارگانی برای منکوب نگه داشتن طبقه تحت ستم است. ابزارهای اصلی قدرت دولتی برای اعمال قهر، به ویژه ارتش حرفه ای و پلیس است. لنین همچنین به مسائلی نظیر گرایش به ستم تقویت مداوم قدرت دولتی بورژوازی، رابطه امپریالیسم و افزایش شاهنچار تسلیحات، و نقش جمهوری دمکراتیک و حق رای در تأمین حکومت بورژوازی می پردازد. این مسائل، برای پیشبرد مبارزه طبقاتی حائز اهمیت بسیاریند.

لنین سپس به تشریح تضاد عمیق تصورات آنارشیستی در پاره "ناپودی" فوری دولت و نظر اپورتونیستی در پاره "زوال" دولت با موضع مارکسیستی می پردازد و همه جا به آموزشهای مارکس و انگلس استناد می کند. ایدئولوگهای اپورتونیزم می کشیدند نظریه انگلس در پاره "زوال" دولت را برای ترویج نظر "استحاله" سرمایه داری به سوسیالیسم و چشم پوشی از انقلاب، قهرآمیز و در هم شکستن ماشین دولتی کهنه، مورد سوء استفاده قرار دهند. اما تنها زمانی که دولت بورژوازی از طریق انقلاب درهم شکسته و قدرت سیاسی طبقه کارگر ایجاد شود، دولت به مثابه نهاد سیاسی داخلی، در جریان گذار به مرحله عالی تر جامعه کمونیستی، با رشد کامل دمکراسی، یعنی با تقویت قدرت دولتی سوسیالیستی، زوال خواهد یافت. لنین چنین حکم می دهد، "چاپکزیی دولت بورژوازی توسط دولت پرولتاری، بدون انقلاب قهرآمیز ناممکن است. از میان رفتن دولت پرولتاری، یعنی از میان رفتن هرگونه دولت، به هیچ طریقی امکان پذیر نیست جز از راه "زوال" تدریجی. (۱۲) ...

رابطه انقلاب پرولتاری و دولت

برای لنین، این امر حائز اهمیت است که به لحاظ تاریخی به دقت نشان دهد که آموزشهای مارکس و انگلس در پاره قدرت سیاسی طبقه کارگر، در پاره ضرورت و وظایف دولت پرولتاری، چگونه شکل گرفته اند. وی از این طریق، اثبات می کند که نکته محوری در نظرات مارکسیسم در پاره انقلاب، مسئله قدرت سیاسی است.

وی در "دولت و انقلاب" در مقابله با بی رنگ کردن اپورتونیستی مارکسیسم می نویسد، "تنها کسی مارکسیست است که پذیرش مبارزه طبقاتی را به پذیرش بیگناهی پرولتاریا با گسترش دهد... این باید سنگ محک درک واقعی و پذیرش مارکسیسم باشد." (۱۳) ...

لنین پیش از آنکه بطور دقیق تری، به نقش و وظایف دولت در انقلاب پرولتاری بپردازد، مراحل تعیین کننده در تکوین نظرات مارکس و انگلس در پاره برخورد به دولت را نشان می دهد...

نخستین مرحله، با "مانیفست حزب کمونیست"

«دولت و انقلاب، رهگشای انقلاب»

۱۸۴۸) مشخص می‌شود که در آن مارکس و انگلس به این نتیجه رسیدند که پرولتاریا، از حاکمیت سیاسی خود برای «بیرون آوردن تدریجی همه سرمایه‌ها از دست بورژوازی، تمرکز همه وسایل تولید در دست دولت، یعنی پرولتاریا که به مثابه طبقه حاکم سازمان یافته است و افزودن حتی المقدور سریع بر توده نیروهای مولده» (۱۴) بهره خواهد گرفت. در اینجا، اندیشه دیکتاتوری پرولتاریا و ضرورت دولت پرولتری نهفته است، و برخی وظایف اصلی در ساختمان جامعه کمونیستی برشمرده شده‌اند.

مرحله دوم تکامل آموزش دولت و انقلاب، با اثر «مقدم برورولوش بنایارت» (۱۸۵۲) تحقق می‌یابد که در آن مارکس تجارب انقلاب ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱ را تعمیم بخشید. وی در این اثر بدین نتیجه رسید که تا آن زمان، همه دگرگونی‌ها، ماشین دولتی را «به‌جای درهم شکستن آن» (۱۵) کامل‌تر کرده‌اند. لنین در این باره خاطر نشان می‌کند که این حکم، مهمترین و اصلی‌ترین حکم آموزش مارکسیسم درباره دولت است، و می‌افزاید بدین ترتیب «مارکسیسم در مقایسه با «مانیفست کمونیستی» گام عظیمی به پیش برمی‌دارد.» (۱۶)

در «مانیفست» آمده بود که دولت بورژوازی باید جای خود را به دولت پرولتری بدهد، اما هنوز این مسئله طرح نشده بود که این جایگزینی چگونه باید انجام پذیرد. مارکس در سال ۱۸۵۲ بدین مسئله پاسخ داد، نه اصلاح، که درهم شکستن و متلاشی کردن ماشین دولتی موجود - این است راه برپایی قدرت سیاسی پرولتری، که مطابق با ماهیت انقلاب پرولتری به مثابه دگرگونی بنیادین مناسبات اجتماعی است. بدین ترتیب، روشن شد که دولت پرولتری باید ایجاد شود و روشن شد که چگونه باید ایجاد شود.

مرحله سوم رشد نظرات مارکس و انگلس در رابطه با انقلاب پرولتری زمانی آغاز شد که مارکس به تعمیم تجارب کمون پاریس پرداخت. وی توانست نشان دهد که ماشین دولتی بورژوازی باید جای خود را به چه چیز بدهد. مارکس و انگلس در «مانیفست» بدین پرسش، پاسخی دادند که «هنوز کاملا تجریدی بود، به عبارت صحیح‌تر، پاسخی که وظایف، و نه شیوه‌های حل آنها را نشان می‌داد.» (۱۷) اما در سال ۱۸۷۱، مارکس در کمون آن شکلی از جمهوری را می‌دید که نه تنها شکن سلطنتی حکومت طبقاتی، بلکه همچنین خود حکومت طبقاتی را می‌بایست از میان برمی‌داشت. (۱۸) اصول کمون پاریس، از جمله از این قرار بود، ارتش حرفه‌ای منحل شده جای خود را به تسلیح عمومی خلق می‌دهد، همه ماوراء دولتی، قابل نسیب و عزلتند و حقوق آنها برابر با دستمزد کارگران است، جدایی فعالیت قانونگذاری و اجرایی لغوی شود، مارکس، کمون را «آن شکن سیاسی که پس از مدتها آنتف شده و در قالب آن، رهایی اقتصادی کار می‌تواند تحقق پذیرد» می‌نامید. (۱۹)

قدرت دولتی از نوع کمون، دارای این وظیفه تاریخی است که قدرت سیاسی طبقه کارگر را تحکیم و تحقق رسالت تاریخی طبقه کارگر را در سطح سیاسی - دولتی بگونه‌ای هدایت کند که محور طبقات و شکن دادن به خودگردانی اجتماعی کمونیستی، امکان‌پذیر شود.

لنین در سال ۱۹۰۲، در تدوین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه از این آموزش مارکس بهره گرفت. (۲۰) موضع در قبال دیکتاتوری پرولتاریا، برای وی معیار تغییرناپذیر نظریه مارکسیستی طبقات و نقش تاریخی دولت و نیز

وظایف اصلی پرولتاریا در انقلاب بود. بدین ترتیب، با پیدایش لنینیسم، مرحله تکاملی جدیدی در تئوری مارکسیستی دولت و انقلاب آغاز شد. «دولت و انقلاب» نقطه اوج این مرحله است.

لنین پیش از نگارش «دولت و انقلاب» نیز راه پیشروی طبقه کارگر به سمت قدرت در شرایط امپریالیسم به مثابه آستانه انقلاب پرولتری را نشان داده بود، و ویژه در آثار «دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک» (۱۹۰۵)، «فروپاشی بین الملل دوم» و «درباره شعار کشورهای متحد اروپا» (۱۹۱۵)، «انقلاب سوسیالیستی و حق تعیین سرنوشت ملل (تُرزا)»، «درباره کاریکاتوری از مارکسیسم و «اکونومیسم امپریالیستی» و «برنامه جنگی انقلاب پرولتری» (۱۹۱۶)، «درباره وظایف پرولتاریا در انقلاب کنونی» (تُرزا آوریل) و نیز در آثار دیگر سال ۱۹۱۷ که پیش از این از آن نام بردیم. تئوری لنینی انقلاب سوسیالیستی در اثبات این امر هسته اساسی خود را آشکار می‌کند که ماشین دولتی کهنه باید لزوماً متلاشی شده و جای خود را به قدرت شوراها به مثابه شکن دیکتاتوری پرولتاریا بدهد، چرا که طبقه کارگر تنها از این راه می‌تواند مناسبات اجتماعی موجود را از بنیان تجدید سازمان کمونیستی بپسندد.

چه چیز باید جایگزین ماشین دولتی کهنه شود؟ لنین با استناد به این آموزش مارکس که «طبقه کارگر باید «ماشین دولتی موجود» را نابود و متلاشی کند و نه باید صرفاً به تصاحب آن قناعت کند» (۲۱) در فصل‌های سوم و چهارم کتاب بدین پرسش که چه چیز باید جایگزین ماشین دولتی کهنه شود، پاسخ می‌دهد. وی بدین منظور، به ویژه تجارب کمون پاریس را بررسی کرده تعمیم می‌بخشد. وی نخست مشخصات اصلی دولت طراز کمون را برشمارد و سپس به تشریح تک تک مشخصات آن می‌پردازد.

لنین نیز نظیر مارکس نشان می‌دهد که کمون پاریس، حامل مشخصاتی از جامعه کمونیستی است. از این رو وی هم‌زمان با تحلیل کمون، آینده‌نگری کمونیستی را تکامل می‌بخشد. لنین در این رابطه با نظریه ابورتونیستی «استحاله مسالمت آمیز» به سوسیالیسم که به ویژه کائوتسکی مبلغ آن بود، مقابله می‌کند. کائوتسکی منکر ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و انجامیدن انقلاب پرولتری به برپایی دیکتاتوری پرولتاریا بود. لنین در همین حال با خواست آنارشستی محور فوری دولت مخالفت می‌ورزد در بحث لنین با کائوتسکی، موضوع تنها پرس این نیست که پرولتاریا به دولتی نیاز دارد، بلکه بیشتر بر سر آن است که ماهیت این دولت کدام است. لنین، از آموزش مارکس دایر بر اینکه باید دولتی شوین و پرولتری ایجاد شود که مستلزم تلاش ماشین دولتی کهنه بورژوازی و تاملین کننده گذار به جامعه بی طبقه کمونیستی است، دفاع می‌کند و آن را فنی می‌بخشد. انقلاب پرولتری، بر خلاف همه انقلابات دیگر، هرگونه استثمار را محو می‌کند و پنهان‌ترین باید ماشین دولتی کهنه ای را نیز که انقلابات قبلی دست نخورده گذاشتند - چرا که تنها حاکمیت یک گروه استثمارگر را به جای حاکمیت گروهی دیگر نشاندهند - درهم شکنند. انقلابات قبلی برای موفق شدن، اصولاً نیازی به تشکیل نوع جدیدی از دولت نداشتند. سلطنت، سلطنت مشروطه یا جمهوری دمکراتیک - همه این اشکال دولت وظیفه داشتند حاکمیت مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و پنهان‌ترین استثمار و سرکوب خلق زحمتکش را تاملین کنند. درهم شکنن ماشین کهنه دولتی، وجه تمایز اصلی انقلاب سوسیالیستی از همه انقلابات قبلی است. بنابراین، این یک ضرورت تاریخی است که انقلاب سوسیالیستی، نوع جدیدی از دولت را ایجاد کند، چرا که پرولتاریا می‌تواند

بدون آنکه به داند با چه وسایلی قدرت خود را اعمال خواهد کرد، نمی‌تواند پیروز شود. شیوه زندگی اجتماعی کاملاً نوین انسان‌ها که برپایه اجتماعی‌شدن وسایل تولید رشد می‌یابد، تعیین کننده نوع جدید دولت برای عصر گذار به کمونیسم نیز هست.

از این رو، این نه یک تصادف تاریخی و نه پدیده‌ای فرعی در روند انقلابی بود که در شرایط تاریخی نوین، شوراها به عنوان شکن جدید مبارزه و سازماندهی پرولتاریا و سایر زحمتکشان، ایجاد شدند. لنین در اواخر سپتامبر ۱۹۱۷، پیش از پیروزی انقلاب پرولتری، در اثر خود بنام «آیا بلشویکها قدرت دولتی را حفظ خواهند کرد؟» نوشت، «اگر نیروی توده‌ای خلق طبقات انقلابی، شوراها را ایجاد نکرده بود، انقلاب پرولتری در روسیه هیچ امیدی به پیروزی نمی‌داشت، چرا که پرولتاریا بدون تردید نمی‌توانست با ماشین کهنه، قدرت را حفظ کند، در عین حال یک دستگاه جدید را نیز نمی‌توان به یکباره ایجاد کرد.» (۲۲)

شوراها که در سال ۱۹۰۵ ایجاد شده بودند، شکلی از سازماندهی بودند که خود توده‌های زحمتکش برای سازماندهی اعتصابات سیاسی توده‌ای، تقاضات سیاسی و بالاخره قیام مسلحانه و مشارکت دادن همه کارگران در آن، آفریدند. ایجاد شوراها، پاسخ پرولتاریای روسیه، هم به تشدید سرکوب امپریالیستی و هم به ضروریات انقلاب پرولتری که با عامل اول پیوند داشتند، بود.

لنین، قدرت شورایی را دومین گام جهانی - تاریخی یا دومین مرحله جهانی تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا می‌نامد. کمون پاریس، نخستین گام بود. لنین تاکید می‌کند که قدرت شورایی، برشانه‌های کمون پاریس ایستاده است. کارگران فرانسه بهای نخستین تلاش برای برپایی یک حکومت کارگری را با قربانی‌های زیادی پرداختند. آنها هنوز فاقد دستگاه آماده‌ای برای اعمال قدرت سیاسی خود بودند. اما سرایان، کارگران و دهقانان روسیه با کمک شوراها، به سمت انقلاب پرولتری هدایت شدند. نخستین حکومت سیاسی پیروزمند طبقه کارگر، در قالب قدرت شورایی تحقق یافت.

منابع
۱- نامه مارکس به بوژف و ایدمایر، ۵ مارس ۱۸۵۲، مندرج در مجموعه آثار مارکس و انگلس، ج ۲۸، ص ۵۰۷-۵۰۸.
۲- تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی در شش جلد، ج ۲، کتاب اول، مسکو ۱۹۷۱، ص ۲۶۶.
۳- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۹۶-۴۰۴. همانجا، ص ۲۹۸.
۴- لنین، یادداشت برای ل. ب. کامنیف، در نامه‌ها، ج ۴، ص ۴۴.
۵- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۹۷-۳۱۸.
۶- راجع کنید به مجموعه آثار، ج ۲۹، ص ۴۷۹-۴۸۰.
۷- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۰.
۸- همانجا، ص ۴۱۲.
۹- همانجا، ص ۴۲۴.
۱۰- مارکس - انگلس، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۴۸۱.
۱۱- مارکس - انگلس، مجموعه آثار، ج ۸، ص ۱۹۷.
۱۲- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۱۸.
۱۳- همانجا، ص ۴۲۰.
۱۴- راجع کنید به مجموعه آثار لنین، ج ۶، ص ۱۴، ۴۵، ۲۷.
۱۵- لنین، دولت و انقلاب، در مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۴۲۷.
۱۶- لنین، آیا بلشویکها قدرت دولتی را حفظ خواهند کرد؟ در مجموعه آثار، ج ۲۶، ص ۸۷.

دور از میهن

قتل پناهنده ۲۰ ساله ایرانی در آلمان فدرال

روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ماه یک پناهنده ۲۰ ساله ایرانی بنام کیومرث جوادی در یکی از فروشگاههای مواد غذایی شهر توپینگن (آلمان فدرال) توسط سه تن از کارکنان این فروشگاه بطور وحشیانه ای به قتل رسید. خبر این جنایت تکاندننده که پناه به اطلاع مطبوعات محلی و شهود حاضر در محل بر اساس یک اتهام مغرضانه صورت گرفته است، اعتراضات وسیع و گسترده پناهندگان و محافل مترقی آلمانی شهر توپینگن را برانگیخته است.

نجات دهند، اما با تهدید آن سه تن از کارکنان فروشگاه مردم نتوانستند کاری بکنند. کارمندی که دیوانه وار گلوی جوان ایرانی را فشار می داد، فریاد می زد، "من او را رها نمی کنم". پلیس بعد از مرگ جوان ایرانی به محل جنایت رسید. با انتقال جسد به بیمارستان، پزشکان نیز تایید کردند علت مرگ، خفگی ناشی از فشار دادن برگلو بوده است.

در پی پخش خبر این جنایت در شهر توپینگن، روز دوشنبه ۲ شهریور ماه پناهندگان مقیم این شهر، و تعداد زیادی از شهروندان و گروههای مترقی آلمانی و خارجی در اعتراض به این جنایت هولناکه تظاهراتی در مقابل فروشگاه مذکور برگزار کردند که در آن حدود ۶۰۰ نفر شرکت داشتند. تظاهرات کنندگان با شعار "گناه جوان مقتول موی سیاه او بود" ضمن افشای این جنایت تکاندننده، خواستار محاکمه قاتلین جوان ایرانی شدند.

جوان ایرانی که در فروشگاه مذکور قصد خرید داشته، متعاقب حمله سه تن از کارکنان فروشگاه به قتل رسیده است. پناه به گزارش روزنامه محلی " " این جنایت در مقابل چشمان دیگر مشتریان فروشگاه صورت گرفته است. در گزارش این روزنامه به نقل از مشتریان فروشگاه آمده است، مشتریان که شاهد جنایت بودند، با فریاد "رهاش کن خفه می شود" می خواستند جوان ایرانی را

استانبول:

رنج های گریختگان از جنگل خمینی

بیشتر مهاجرین را جوانانی تشکیل می دهند که از سربازگیری گریخته اند. اما در میان آنها، دختران جوان هم دیده می شوند. جهنم جهنم است، چه برای دختر، چه برای پسر، چه برای مرد و چه برای زن.

طبق برخی آمارها، ۷۰ درصد گریختگان از جهنم خمینی یا در ترکیه اند یا از طریق ترکیه به کشورهای دیگر رفته اند. تخمین های مختلف، حاکی از حضور ۸۰۰ هزار تا یک میلیون ایرانی در ترکیه است. هر ماه، ۸ هزار نفر دیگر بر این تعداد افزوده می شوند. تنها بخش کوچکی از این عده امکان مهاجرت به کشورهای دیگر را می یابند. اکثر کشورهای اروپای غربی، دیگر کشورهای شمی پذیرند و دروازه های خود را بسته اند. کمیاریای پناهندگان سازمان ملل نیز سال گذشته تنها به

حکایت خیل عظیم ایرانیانی که از جنگل جنگ و سرکوبگری خمینی گریخته و در ترکیه پناه جسته اند، اکنون در بؤی مطبوعات غرب نیز انعکاس یافته است. حکایت درپردری ها، مصیبت های غربت، عدم امکانات مالی و زیستی و... حکایت انسان هایی که توانسته اند تنها چیزی را که برایشان باقی مانده، یعنی جان خود را، بردارند و برای یافتن مکانی کمابیش امن، سر به کوه و بیابان بگذارند. حکایت تکان دهنده ای از جنایت پیشگی آخوندها و بی اعتنائی و قبحخانه مدعیان "حقوق بشر" به سرنوشت قربانیان جنگی که خود از آن سود می برند، قربانیان رژیمی که خود با آن باب مراد دارند. در این بیاتن روزنامه، گوشه هایی از وضعیت ایرانیان مقیم، یا بهتر بگوییم آواره در ترکیه، بازتاب می یابد.

۵. پناهنده در ترکیه گذرنامه داد. در عوض، کار کانگسترها و قاچاقچی های استانبول رونق گرفته است. این جماعت، با استفاده از درماندگی آوارگان، ثروتی به هم زده اند. آن ها شیوه جان پناهندگان را می کنند. و اغلب، با پلیس ترکیه همدستی دارند. گاه پناهنده تا آخرین ریال و سنت دارایی اش را می دهد، اما از پاسپورت و ویزای وعده داده شده، خبری نمی شود. در فرودگاه ها، کنترل شدیدی برقرار کرده اند تا مبادا کسی به مقصد کشورهای اروپایی پرواز کند.

سه محله استانبول، آکسارای، لالی و پاپیزید، پر از ایرانی است. مهاجرین هر یک سرگذشتی داشته اند. علی، چهارده ساله، در حالی که بر بازوی او زخم کلوله دیده می شود، به استانبول می رسد. همراه با برادر بزرگترش حسن می خواستند از راه کوه وارد ترکیه شوند که پاسداران به طرفشان تیراندازی می کنند. حسن از ناحیه پا زخمی می شود و پاسداران دستگیرش می کنند. مادر دردمندش، او را در زندانی در یکی از شهرهای شمال ایران باز می یابد، به "جرم" تلاش برای گریز از جهنم، آویزانش کرده اند، پشت او از ضربات شلاق آتش و لاش شده است.

ترکیه، برای صدها هزار ایرانی، به پستی تبدیل شده است. به یاری هم وطنان آواره مان در این کشور پشتابیم. با اعمال فشار بر مجامع بین المللی، با انعکاس وضعیت دردناک پناهندگان ایرانی در ترکیه، با رساندن کمک به آنها به وظیفه خود عمل کنیم!

قاچاقچیان برای نشان دادن راه، از هر مهاجر ۲ تا ۳ هزار دلار بیول می گیرند. تازه هر کس باید بخت ببارش باشد و به جنگ پلیس ترکیه نیافتد. با آخرین بازمانده داراییش را از جیبش بیرون می کشند و یا او را تحویل گزمان خمینی می دهند.

از مبارزات پناهندگان ایرانی در ایالت

بایرن آلمان فدرال بطور فعال حمایت کنیم!

فردگی صفوف پناهندگان حول مطالبات فوری آنان برداشته می شود. بطوریکه در گزارشهای متعدد بقیه در صفحه بعد

جنبش پناهندگان سیاسی ایرانی در ایالت بایرن آلمان فدرال که از اوایل سال جاری برای استیفای حقوق قانونی و انسانی پناهندگان اوچ گرفته است، روز بروز در نتیجه

کیمیان

صفحه ۱۹
پنجشنبه ۵ شهریور ۱۳۶۶
۲ محرم ۱۴۰۸
۲۷ آبان ۱۹۸۷ - شماره ۳۱۱۳

بن سخیورگزاری جمهوری اسلامی؛
یک ایرانی متقاضی پناهنده گی در آلمان غربی که علت فقر دست به دزدی مواد غذایی از یک سوپرمارکت زده بود، توسط کارمندان آن سوپرمارکت برای که فلش کیومرث جوادی اعلام شده همراه به هرسش در یکی از دوتا ایهای پناهندگان در آلمان در شهر دانشگاهی توپینگن در بایرن تیبفال زندگی می کرد و متقاضی پناهنده گی سیاسی بود.

بر اساس گزارش روزنامه های محلی: جوادی که روزی ۲ مارک پول توجیبی از دولت برای امرار معاش می گرفت، بعلت فقر وارد منازل مواد غذایی فاق کوخ، شده

خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی نیز خبر قتل فجیع کیومرث جوادی را منتشر کرده است. قلم به مردان جمهوری اسلامی که نمی خواستند خرسندی خاطر خود را از قتل این "ایرانی فراری" پنهان نمایند، به تکرار افترای قاتلین مبنی بر قصد دزدی این پناهنده برداختند.

روزنامه های دولتی ایران، اخیرا با انتشار گوشه هایی از مصائب پناهندگان سیاسی ایرانی، تلاش می ورزند که جهنم خمینی را "دلپذیر" تر از جهنمی بنمایانند که دولتهای دست راستی در اروپا، ترکیه، پاکستان و... در همدستی با رژیم خمینی، برای پناهندگان ایرانی فراهم ساخته اند. اما آن کسانی که تا کزیر از پذیرش مهاجرت گردیده اند، رنج زندگی در غربت را با تشدید مبارزه علیه رژیم سفاکی پاسخ می گویند که میهن ما را برای مردمش به جهنمی بدل ساخته است.

هائیتی: مبارزه علیه دیکتاتوری جدید

بقیه از صفحه آخر

هائیتی، نیرومندترین حزب سیاسی چپ این کشور است. این حزب در "کمیته ۵۷" عضویت ندارد، اما نقش آن در تظاهرات و اعتصابات توده‌ای انکارناپذیر است. حزب مزبور خواهان تشکیل شورای جدید حکومتی با شرکت نمایندگان منتخب کمیته‌های مردمی از همه ۹ استان هائیتی است.

کمیته‌های مردمی، ارگانهای خودجوشی هستند که در ماه‌های پس از سرنگونی رژیم دووالیه در شهرها و روستاها تشکیل شده‌اند. این کمیته‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در برگزاری تظاهرات اعتراضی و اعتصابات عمومی دارند و اخیراً همکاری خود را به سطح سراسری ارتقا داده‌اند. در بسیاری از مناطق، کمیته‌های مردمی از برگزاری طرفداران دووالیه به مقامات محلی جلوگیری کرده‌اند.

علت رادیکال شدن جنبش ضد دیکتاتوری در هائیتی، علاوه بر زوده شدن ترمیمات درباره برقراری دموکراسی و مجازات عوامل دووالیه تحت حکومت همین رژیم، و خامت روزافزون اوضاع اقتصادی و اجتماعی و عدم انجام اصلاحات در این عرصه است.

۷۰ درصد بیکاری

در هائیتی ۷۰ درصد جمعیت قادر به کار، از داشتن شغل محرومند. ديمقانانی که خانه خراب شده‌اند، بیوسته محلات زانگه‌نشین اطراف پورت اوپرنس پایتخت هائیتی را گسترش می‌دهند. در میان این گروه از مردم، درآمد متوسط سالانه تنها ۷۵ دلار است.

شورای نظامی حاکم، قصد دارد تا انتخابات ریاست جمهوری در ماه نوامبر، قدرت را حفظ کند. اپوزیسیون هائیتی، مخالف برگزاری انتخابات تحت کنترل رژیم ژنرال نامفی است. برای جلوگیری از انجام انتخابات نمایشی، تلاشهایی در صفوف اپوزیسیون در جهت توافق بر سر پلتفرم مشترک آغاز شده است. آنچه مسلم است، این است که اگر هم مردم نتوانند جلوی انتخاب رئیس جمهور جدید تحت کنترل رژیم فعلی را بگیرند، رئیس جمهور آتی نیز در برابر این خواستهای جنبش مردمی قرار خواهد گرفت. برقراری دموکراسی، مبارزه با بقایای رژیم دووالیه، اصلاحات ارضی، تجدید توزیع درآمدها و توسعه اقتصادی •

تظاهرات ماه ژوئیه فریاد می‌زدند، "مرگ بر شورای نظامی، مرگ بر نامفی، مرگ بر وزرای دووالیه‌ای" و "مرگ برریگان". روزنامه هرالد تریبون در روز ۱۵ ژوئیه گزارش داد مردم در تظاهرات خود پرچم آمریکا را آتش زده و شعار می‌دادند، "مرگ بر آمریکا، زنده باد کمونیسم!"

بسیاری از سرکردگان رژیم دووالیه و وزرای او به کشور بازگشته‌اند. به نوشته روزنامه اومانیتیه، رنه تئودوره دبیر کل حزب متحد کمونیستهای هائیتی خاطر نشان کرده است که عوامل باند سیاه "تون تون ماکوت" در همه ارگانهای دولتی حضور دارند و مسلحند.

یکی از مراکز ضد حمله طرفداران دووالیه، شمال غربی هائیتی است. در این منطقه، الیگاری ارضی با یاری چستن از باند‌های سیاه به سرکوب خشن جنبش ديمقانی روی آورده است. همانگونه که در شماره ۱۶۸ نشریه گزارش دادیم، هنگامی که در اواخر ژوئیه در شهر ژان رابل ديمقانان برای بازپس گرفتن ارضی به تاراج رفته‌شان در زمان حکومت دووالیه دست به تظاهرات زده بودند، باند "تون تون ماکوت" با حمله به این تظاهرات حمام خوبی به راه انداخت. این جنایت، نزدیک به ۲۰۰ قربانی از میان ديمقانان گرفت.

افزایش نفوذ کمیته‌های مردمی

علیرغم عقب نشینی رژیم و لغو قریبان انتخابات، اعتراضات توده‌ای در تمام طول ماه ژوئیه ادامه یافت. اعتصابات با هدف به زیر کشیدن رژیم از سوی ۵۷ سازمان سیاسی و سندیکایی متولف (که اکثر آنها سازمانهای با سمت گیری بورژوازی هستند) رهبری شد.

در اپوزیسیون هائیتی، هنوز در مورد آلترناتیو رژیم فعلی اتفاق نظر وجود ندارد. در مثنی‌الیه سمت راست طیف مخالفان نامفی، "مجمع دموکراتهای ملی و پیشرو" قرار دارد که تنها خواهان گسترش شمار اعضای شورای حکومتی از ۲ به ۷ است. اما سایر نیروهای اپوزیسیون نیز که خواستار انحلال شورای حاکمند، درباره ترکیب حکومت آتی اختلاف دارند.

حزب متحد کمونیستهای

از مبارزات پناهندگان ایرانی

بقیه از صفحه قبل

مبارزه بی‌وقفه پناهندگان سیاسی ایرانی در این ایالت هرچند که تاکنون در مواردی به نتایج مثبتی منجر شده است، اما مسئولین محلی این ایالت هنوز در مقابل عمده‌ترین مطالبات قانونی برخی پناهندگان مقاومت می‌کنند و با تهللیخات زهرآگین علیه آنان، کماکان به نقض خشن حقوق پناهندگی و سیاست اعمال فشار ادامه می‌دهند. پناهندگان ایرانی برای مقابله با این سیاستهای غیرانسانی دولت بایرن و در راستای تداوم مبارزات خود، طی اطلاعیه‌ای که اخیراً منتشر کرده‌اند، اعلام نموده‌اند روز ۱۵ سپتامبر مقارن با روز بازگشایی پارلمان این ایالت، بار دیگر با سازماندهی یک راهپیمایی اعتراضی خواستار رسیدگی فوری به مطالبات قانونی و انسانی خود خواهند شد. این اطلاعیه را که "شورای ممانعتی لاکرهای معترض استان بایرن" صادر کرده است، ساکنین خوابگاههای دسته‌جمعی پیش از ۱۲ شهر این استان امضا کرده‌اند. •

نشریه "اکثریت" از مبارزات پناهندگان این ایالت نوشته‌ایم، تا به امروز پناهندگان ایرانی در این ایالت، برای اعتراض به تضيیقات غیرقانونی و غیرانسانی مسئولین امر حرکتیهای اعتراضی متعدد و پرنمودی را سازمان داده‌اند و توانسته‌اند در جریان این مبارزات به ایجاد چندین تشکل پناهندگان موفق گردند. اکنون اعتراضات پناهندگان سیاسی این ایالت عمدتاً حول مطالبات فوری زیر متمرکز است:

- ۱ - کوتاه شدن پلانتکلیفی و رسیدگی هرچه سریعتر به درخواستهای متقاضیان پناهندگی سیاسی و ارسال سریع جوابها
- ۲ - انسانی کردن شرایط زیست متقاضیان پناهندگی سیاسی بویژه در موارد زیر:
 - الف) انتقال آنها از خوابگاههای غیرقابل سکونت به منازل مسکونی
 - ب) حق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول بجای تحمیل چیره خشک

جوانان در قربانگاه تحقیق

از نامه يك دختر ایرانی

وقتی دیپلم گرفتم معدل خیلی خوب بود، حدود ۱۹. ولی همانسال مصادف شد با این انقلاب فرهنگی لعنتی و دانشگاهها تعطیل شد. خیلی دلم میخواست در رشته پزشکی ادامه تحصیل بدم. چه کنیم که دانشگاهها تعطیل شد.

عشق به ادامه تحصیل و درس خواندن باعث شد که راهی دیار غربت شوم، تنها جایی که توانستم بروم ترکیه بود. در آنجا یکبار کنکور دادم که قبول نشدم. در این یکسال شروع به خواندن کردم و دوباره امتحان دادم و پس منتظر نتیجه ماندم.

یک روز بستگی نامه‌ای بدستم داد. باور کنید دستم می‌لرزید. اصلاً نمی‌توانستم به خودم مسلط بشوم. با خودم گفتم بالاخره روزهای پلانتکلیفی تمام شد. ناراحت نباش. پاکت را باز کردم به دوزبان ترکی و انگلیسی نوشته بود "قبول شده‌اید" بهت زده شدم. امسال اصلاً در مورد قبولی‌ام تردید نداشتم...

بعد از باز شدن دوباره دانشگاهها، کنکور را دادیم. امتحانات خوب هم شد. اما نتیجه منفی بود. قبول نشدم. پس از بارس و چو معلوم شد که در تحقیق رد شده‌ام. سال بعد بازم امتحان دادیم. کنکور در مرحله‌ای بود. مرحله اول قبول شدم. همه خیلی خوشحال شدند. من خوان اول را گذراندم. باز دله‌ره و ناراحتی داشتم دوباره شروع کردم برای کنکور مرحله دوم خواندن. اینکار برایم خیلی خسته‌کننده بود. در امتحان مرحله دوم هم موفق بودم ولی وقتی جواب آمد در لیست قبولی نبودم... بعد از مراجعه به ادارات مختلف و بارس و چوها نامه‌ای به من دادند که در آن نوشته بود صلاحیت اخلاقی ندارم.

دیگر اقامتم هم تمام شده می‌بایست به قهرس می‌رفتم که پلیس هواپیما گیر نیارودم. تصمیم گرفتم که به جایی شوم. حالا اگر به تورپلیس هم بخورم نمی‌دانم چه خواهد شد. اینجا هیچکس را ندارم نمی‌دانم چه کار کنم. آبی‌امی توانم بادست خالی به ایران برگردم... •

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

دور جدید مذاکرات افغانستان و پاکستان

جنابیت مولانا صهبونبستهار لہنان

روز شنبه ۱۵ شهریور نیروی هوایی اسرائیل با تجاوز به لبنان اردوگاه فلسطینی عین الحلوه در نزدیکی بندر صیدا را به خون کشید. در این حمله چنانیکاران ۵۰ تن از ساکنان اردوگاه - که بیشتر آنها را زنان و کودکان تشکیل می دادند - کشته شدند. حمله هوایی اسرائیل به اردوگاه عین الحلوه در این روز پنج بار متوالیا تکرار شد. راهزنان صهبونبست طای این حملات با استفاده از راکت، اردوگاه راهبه آتش کشیدند.

کمیسون آشنی ملی در نیکار اگوته

مطابق با تصمیمات اجلاس سران پنج کشور آمریکای مرکزی، سه شنبه اول سپتامبر در نیکار اگوته "کمیسون آشنی ملی" فعالیت خود را آغاز کرد. ریاست این کمیسون برعهده میگوئل اوباندوای برارو اسقف اعظم ماناگوا است. در این کمیسون همچنین سرچبرو رامیرز معاون رئیس جمهور نیکار اگوته و چند شخصیت ایورزیسیون پارلمانی این کشور عضویت دارند. رامیرز طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ماناگوا اعلام کرد طبق مصوبات اجلاس ۵ کشور در کواتمالا، دولت نیکار اگوته نازمانی که شورشیان سلاحهای خود را به زمین ننگد اشته اند، با این گروهها مذاکره نخواهد کرد.

اخبار کوتاه

● در کشور کوچک بوروندی که در مرکز آفریقا، بدن زشیر، رواند او نازائین واقع شده است، کودتایی بدون خونریزی صورت گرفت. در روز پنجشنبه سوم سپتامبر، فرماندهان ارتش، ژان باینیت باگازا رئیس جمهور بوروندی را که برای شرکت در اجلاس سران کشورهای فرانسوی زبان در کانادا به سر می برد، از همه سمتهای برکنار کردند. باگازا خود یازده سال پیش با یک کودتا قدرت را به دست گرفته بود. در سالهای اخیر روابط بوروندی و زشیر رو به تیرگی نهاده بود.

● عوامل رژیم دیکتاتوری اشتروسیز در پاراگوئه، با حمله به تظاهرات مخالفان در آسونسیون پایتخت این کشور، این تظاهرات را متفرق کردند. پلیس رژیم فاشیستی اشتروسیز چند تن از رهبران تظاهرات را بازداشت کرد. رژیم اشتروسیز که از سال ۱۹۵۴ زمام امور را در پاراگوئه در دست دارد، همراه با رژیم پیئوشه در شیلی بعنوان سرکوبگرترین حکومت آمریکای لاتین شناخته شده است. اشتروسیز رئیس جمهور پاراگوئه قصد دارد در سال ۱۹۸۸ خود را برای هشتمین دوره متوالی رئیس جمهور اعلام کند. این نقشه ژنرال اشتروسیز، به ابراز مخالفت هایی حتی در درون حزب فاشیست "کلورادو" انجامیده است.

● ۴۸ هزار کارگر راه آهن در کانادا از روز یکشنبه ۲۲ اوت اعتصاب نامحدودی را برای تحقق افزایش دستمزد آغاز کرده اند. این اعتصاب، رفت و آمد قطارها را در همه مسیرهای طولانی و نیز مسیرهای کوتاه در منطقه مونترآل و تورونتو متوقف کرده است.

افغانستان فراخوانده شوند. در آستانه دور جدید مذاکرات ژنو، بولی ورونسوف معاون وزارت خارجه شوروی به کابل سفر کرد و ضمن مذاکراتی با عبدالوکیل وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان به بررسی راههای حل و فصل اوضاع پیرامون افغانستان پرداخت، رادیوی به اصطلاح افغانستان آزاد که از سوی سازمان سیا آمریکا راه اندازی شده است، از روز ۱۵ شهریور زمان برنامه های خود را دوباره بر کرد. در این ایستگاه رادیویی، ضد انقلابیون افغانی تحت نظارت متخصصان آمریکایی جنگ سرد فعالیت می کنند.

پایان اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی

طولانی ترین اعتصاب تاریخ آفریقای جنوبی که سه هفته به طول انجامید، در روز یکشنبه ۲۰ اوت پایان یافت. طبق توافقی که میان نمایندگان سرمایه داران و رهبری سندیکای کارگران معدن حاصل شد، دستمزد کارگران سیاهپوست معدن ۱۵ تا ۲۳/۴ درصد افزایش خواهد یافت. قرار است اکثریت ۵۰ هزار کارگری که در طول اعتصاب توسط شرکتهای دارنده معدن اخراج شده بودند، به سرکار خود بازگردند.

سیریل رامافوزا، دبیرکن اتحادیه ملی معدنچیان که این اعتصاب را سازماندهی کرده بود، پس از پایان اعتصاب گفت سه هفته مبارزه کارگران، توان سازماندهی سندیکای آنان را نشان داد. وی افزود تصمیم به پایان اعتصاب، برای جلوگیری از اخراج شمار بیشتری از کارگران اتخاذ شد.

- در یک سانحه در معدن طلای سنت هلنای آفریقای جنوبی، ۵۰ کارگر کشته شدند. این سانحه شامگاه دوشنبه ۲۱ اوت روی داد. انفجاری در یکی از تونل های معدن، دهها کارگر را که در عمق ۹۰۰ متری زیرزمین کار می کردند، مدفون کرد. اتحادیه ملی معدنچیان، این سانحه را دلایلی دیگر بر این امر دانست که معدن آفریقای جنوبی، خطرناکترین

گسترش حملات پلیس کره جنوبی به کارگران اعتصابی

پلیس علیه معدنچیان اعتصابی به کازاشک آورمتوسل شد و ۱۰۵ تن از آنان را بازداشت کرد. در سئول، یکی از رهبران اعتصاب رانندگان تاکسی در اعتراض به کارفرمایان اقدام به خودسوزی کرد. در حال حاضر ۱۵۲۰۰ راننده تاکسی در سئول دست به اعتصاب زده اند.

شمار کارخانجاتی که دستخوش اعتصاب شده اند، از ۷۰۰ تجاوز کرده است.

در چندین دانشگاه کره جنوبی نیز طی هفته گذشته تظاهراتی علیه رژیم چون دوهوان انجام گرفت. نزدیک به ۴ هزار تن از دانشجویان دانشگاه سئول طی تظاهراتی خواهان آزادی زندانیان سیاسی و تشکیل دولت جدید شدند. پلیس به این تظاهرات حمله کرد.

روئای و رهبر حزب حاکم "عدالت دمکراتیک" و کیم یونگ سام از رهبران ایورزیسیون پورژوایی کره جنوبی توافق کردند که پیش از ۲۰ دسامبر سال جاری، انتخابات مستقیم ریاست جمهوری در این کشور انجام پذیرد.

در روز جمعه چهارم سپتامبر، دولت کره جنوبی دستور حملات گسترده پلیسی علیه اعتصابات کارگری را صادر کرد. در نخستین ساعات همین روز، ۲۰ هزار تن از نترات پلیس به کارخانه اتومبیل سازی دای وونگ دومین کارخانه از این نوع در کره جنوبی است و در نزدیکی سئول قرار دارد، حمله کردند. ۱۲۵ کارگر اعتصابی دستگیر شدند. در بندر جنوبی اولسان نیز پلیس به کارگران متحصن در اسکله خشکی سازی هیوندا یورش برد و ۹۰ نفر از آنان را بازداشت کرد. در این حمله علیه ۸ هزار کارگر اعتصابی، پلیس از نارنجک های کازاشک، آور بهره گرفت.

در روز پنجشنبه سوم سپتامبر، یک کارگر اعتصابی در اولسان هنگامی که همراه با چند کارگر دیگر قصد متوقف کردن کامیونی را داشت، به قتل رسید. چهار کارگر دیگر مجروح شدند. بلافاصله پس از این حادثه، ۲۰ هزار کارگر دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی کارگران به درگیری با پلیس انجامید. در یونگ یام واقع در شرق کره جنوبی نیز

بیداد قرون وسطایی در روستاهای خوزستان

با پاسداران و ژاندارم‌ها و در همان سال، درگیری دهقانان و عوامل شیخ و فئودال و رژیم در باغملک (چانگی) واقع در اطراف شهر ایذه و چندین درگیری مسلحانه و خونین دیگر به کشته‌خیزی شدن عده‌ای از روستائیان زحمتکش منجر گشت. در جریان این یورشهای سبانه تعداد زیادی از دهقانان دستگیر و به حکم دادگاههای حامی شیخ و فئودال‌ها زندانی شدند.

بلور کلی رژیم طی این سالها باتمام قوا کوشید که شیخ و فئودالها را بر سرنوشته روستاهای خوزستان حاکم کند. در این راه، سرکوب و حشیانه مقاومت عادلانه و بهرحق روستائیان زحمتکش، تنها چاره رژیم برای "حل" مسئله زمین در این استان بود، و هر چاکه روستائیان ستمکش به مقاومت برخاستند نیروی سرکوب رژیم و عوامل مزدور شیخ و فئودالها و حشیانه‌باآنان مقابله کردند. در نتیجه این سیاست رژیم، فئودالها توانستند با در دست داشتن اسنادی که عمدتاً متعلق به قبل از سالهای ۴۰ بودند به اکثر زمینهای مرغوب کشاورزی چنگ اندازند، اما از آنجا که آنان برای کشت زمین به روستایی نیاز داشتند و روستایی دیگر در به مزدوری شیخ و فئودال نمی‌داد، عده زمینیا را تبدیل به باغ مرکبات کردند.

کششزارهای خوزستان

در چنگ سرمایه داران بازار

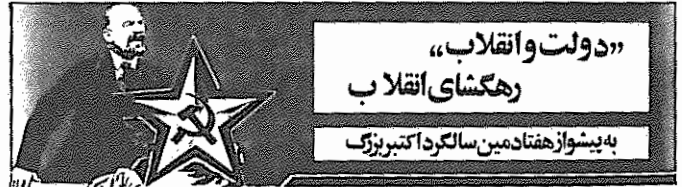
در نتیجه استرداد زمینهای کشاورزی در مقیاس وسیع به شیخ و فئودالها، سیاست کشاورزی خوزستان دچار تحولاتی در راستای سیاست کشاورزی رژیم گردید. اکنون کشت پلاستیکی محصولات سودآور، مشخصه عمومی کشاورزی در خوزستان است. کشت پلاستیکی بطور عمده در زمینهای اطراف امواز بقیه در صفحه ۸

هر دل خاک روستاهای ستم زده خوزستان، فقیهان حاکم، شیخ ستمگر، فئودالهای چانی، پاسداران سرکوبگر، ژاندارم‌ها... و جنگ چینی و ویرانگر آنچنان شیارهای عمیق زخم نشاندند که هم‌اینک جای جای مزارع و کشتزارهای بارآور این سرزمین بازتاب بیداد قرون وسطایی است. در زیر نگاه کوتاهی به این تابلو درد و فاجعه می‌افکنیم.

بازگشت شیخ و فئودال‌ها و مبارزات دهقانان

روند واگذاری زمینهای کشاورزی به شیخ و فئودالها از اواخر سال ۶۲ در خوزستان سرعت فوق‌العاده‌ای گرفت. شیخ و فئودالها با حمایت موسوی جزایری امام جمعه و نماینده خمینی در خوزستان و نیز با توجه به نفوذی که در دادگاه صلح داشتند، بی‌دری به گرفتن حکم تخلیه زمینها موفق می‌شدند. اما آنان برای مراجعه به زمین، به زمینی که خاک آن با عرق رنج دهقان زحمتکش در زیر آفتاب سوزان خوزستان آبیاری می‌شد، نیاز به تفنگ داشتند و به نیروهایی که مقاومت روستائیان را درهم بشکنند. پاسداران سرکوبگر و ژاندارم‌ها و تفنگ‌های آنان مجری این احکام فقیهان، و حامی شیخ و فئودالها بودند.

در فاصله سال ۶۲ تا ۶۵، اکثر زمینهای کشاورزی خوزستان، عرصه بر خوردهای خونین روستائیان زحمتکش با شیخ و فئودالها و عوامل آنان بود. درگیری دهقانان روستاهای اطراف ماهشهر و سربند (خلف آباد و رامشیر) با شیخ و عوامل سرکوب رژیم در زمستان ۶۴، درگیری خونین روستائیان چنت مکان و کنار پیر واقع در اطراف شهر شوشتر



«دولت و انقلاب» رهگشای انقلاب

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

عده‌ممدان حوصه ستمگر... جزوه به قلم پروفسور ولگانگ شنايدر، دارنده کرسی استادی کمونيسم علمی در مدرسه عالی حزبی "کارل مارکس"، جنبه کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان دمکراتیک است و در آن، خواننده با شرایط بیدایش "دولت و انقلاب"، رهس مطالب و اصلی‌ترین احکام آن آشنا می‌شود. "مقدمه بر دولت و انقلاب"، کمک موثری به مطالعه و درک خود اثر لنین می‌کند. در این شماره "اکثریت"، در صفحه ۱۰ بخشی از "مقدمه" راه چاپ می‌رسانیم.

"دولت و انقلاب" هفتاد ساله شد. زادروز این اثر بزرگ لنین، که در ماههای توفانی اوت و سپتامبر ۱۹۱۷ به رشته تحریر درآمد، مناسبتی است تا با معرفی کوتاه آن، به پیشواز برگزاری هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، فرصت عصری نوین در تاریخ بشر بر روییم.

انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به زودی در چارچوب سلسله جزوات "دبهاچه‌ای بر آثار چاودان"، "مقدمه بر دولت و انقلاب اثر لنین" را در دسترس

هائیتی: مبارزه علیه دیکتاتوری جدید

ژوئیه برگزار شد، این مانور راها شکست ناپذیر بود. "فرمان انتخابات" در روز سوم ژوئیه از سوی شورای نظامی پس گرفته شد. حکومت نظامی همچنین ناچار گردید ممنوعیت "مرکز مستقل کارگران هائیتی" را که در جریان اعتراضات اعلام شده بود، لغو کند.

با این حال، شورای نظامی حاکم توانسته است با حمایت ایالات متحده قدرت را در دست خود حفظ کند. ریچارد هولویل، مسئول بخش کارائیب وزارت خارجه آمریکا، اعلام کرده است که ژنرال نامفی از نظر واشنگتن مناسب‌ترین کسی است که می‌تواند به "دمکراتیزه کردن" هائیتی تحقق بخشد.

به خاطر همین حمایت بی‌شائبه دولت ریگان از نامفی است که مردم هائیتی بطور فزاینده‌ای مسئولیت چنایات ارتش و پلیس در سرکوب تظاهرات مردمی، ادامه فعالیت طرفداران دووالیه دیکتاتور منفور سرنگون شده در مقامهای دولتی و تجدیدسازماندهی نیروی شبه نظامی سرکوبگر دووالیه بانام "تون تون ماگوت" را بر عهده آمریکایی دانند. برخلاف مبارزات علیه دیکتاتوری دووالیه، جنبش مردمی حاضر بگونه‌ای روز افزون جنبه رادیکال و ضد آمریکایی به خود می‌گیرد.

نشانه‌ای بر این امر، شعارهای تظاهرات مردمی است. به گزارش روزنامه فرانسوی لوموند، مردم در بقیه در صفحه ۱۴

اواخر ماه اوت، احزاب سازمانهای سیاسی و صنفی مخالف رژیم دیکتاتوری ژنرال هائری نامفی در هائیتی ائتلاف گسترده‌ای بانام "کمیته ۵۷" تشکیل دادند. هدف از این اتحاد برقراری دمکراسی در هائیتی است. اقدام مزبور به دنبال اعتصابات و تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت که در ماههای ژوئن و ژوئیه سال جاری، ۱۸ ماه پس از سرنگونی رژیم خون آشام دووالیه، هائیتی را نکان داد.

اعتراضات تابستان امسال، گسترده‌ترین مبارزات توده‌ای علیه رژیم جدید از هنگام روی کار آمدن به شمار می‌رفت. هدف از اعتراضات مزبور، به زیر کشیدن "شورای ملی حکومتی" به ریاست ژنرال هائری نامفی بود.

انگیزه حرکت‌های ژوئن و ژوئیه، تصمیم ۲۲ ژوئن شورای نظامی حاکم بود که علیرغم تصریح قانون اساسی جدید که نظارت بر انتخابات شهرداریها در ماه اوت و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در ماه نوامبر سال جاری را بر عهده یک شورای مستقل گذاشته است، اعلام کرد که خود کنترل رای گیری را در دست خواهد داشت. از این طریق، نظامیان درصدد برآمدند با برگزاری یک انتخابات تقلبی با پوشش دمکراتیک، پارادیکر "دووالیه ایسم" را بر هائیتی حاکم کنند.

نخستین اعتصاب عمومی در هائیتی که اواخر ژوئن و اوایل

AKSARIYAT
NO. 173
MONDAY, 7 SEP, 87

آدرس: **Address:**
RUZHEN
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید